



دور دنیا در ۴ ساعت

● آنچه گذشت ...

در جلد پرسش، با آزمون‌های کنکور مطابقت داده شده با کنکورهای نظام جدید آموزشی، اهمیت آن‌ها و زمان و مکان مناسب استفاده از آن‌ها آشنا شده‌اید.

● این کتاب

کتابی را که گشوده‌اید، جلد پاسخ، از مجموعه «دور دنیا در ۴ ساعت» است. در این مجموعه با پاسخ به سؤالات آزمون‌هایی آشنا می‌شوید که از نظر تاریخ برگزاری، استاندارد طراحی و درصد مشابهت با کنکور پیش‌رو، بی‌نظیرند. پاسخ کنکورهای عمومی، بهترین مجموعه پاسخ‌هایی است که می‌توان آن‌ها را یکجا تجربه کرد.

● پاسخ‌نامه، درس‌نامه نیست!

هرگز از پاسخ‌نامه، بدون حل پرسش‌ها و فقط برای آموختن، استفاده نکنید. این بدترین رفتاری است که در مواجهه با یک پاسخ‌نامه می‌توان مرتکب آن شد! به یاد داشته باشید حتی نکات دقیقی که در پاسخ سؤالات به آن‌ها اشاره می‌شود، انتخاب مناسبی برای یادگیری پایه‌ای نیستند. پاسخ‌نامه، «پاسخ» نامه است؛ به آن، در کنار پرسش‌نامه نگاه کنید.

● اما پاسخ‌ها

در تشریح پاسخ‌ها گروه مؤلفان گاج همه ظرفیت‌های مجموعه را به خدمت گرفتند تا بهترین‌ها نوشته شوند و دقت، پایداری سرعت نگردد؛ دشوارترین‌ها را به ساده‌ترین زبان آورده‌اند و از کنار ساده‌ترین‌ها هم به سادگی عبور نکرده‌اند. دور دنیا در ۴ ساعت، آخرین هدف‌گیری‌ها در آخرین فرصت‌هاست.

● در این کتاب کوشیده‌ایم:

- به همه سؤالات، به‌درستی و با دقت علمی بالا پاسخ دهیم.
- در شیوه پاسخ‌گویی و شرح موضوعات، هیچ‌گونه ابهامی برجا نماند.
- علت انتخاب یا ترجیح گزینه صحیح و دلایل رد دیگر گزینه‌ها بررسی شود.
- دام‌های تستی و مشابهت‌های فریبنده معرفی و گوشزد شود.
- هر پاسخ، حرفی برای گفتن و نکته‌ای برای آموختن داشته باشد.

مقدمه

اگر پیش از پاسخ به سؤالات آزمون‌ها
به سراغ این کتاب آمده‌اید، همین حالا
آن را ببندید!

زبان و ادبیات فارسی

- ۱ (۳) معنی درست واژه‌ها: اجابت کردن: پذیرفتن، قبول کردن، پاسخ دادن / استدعا: فراخواندن، درخواست کردن، خواهش کردن / آسوه: پیشوا، سرمشق، نمونه پیروی / تکلف: تجمل، رنج بر خود نهادن، خودنمایی / رُعب: دلهره، ترس، هراس
- ۲ (۱) معنی درست واژه‌ها: جبهه: پیشانی (وجنه: رخسار) / محظوظ: بهره‌ور / استیصال: ناچاری، درماندگی / دیلاق: آدم قدراز
- ۳ (۳) واژه «یکایک» در این گزینه در معنی «ناگهان» به کار رفته است و در سایر گزینه‌ها در معنی «یک به یک».
- ۴ (۴) املاي درست واژه: صفوت: برگزیده و خالص از هر چیز
- ۵ (۱) املاي درست واژه: وزر: بزه، گناه، سنگینی، بار سنگین
- ۶ (۴) جوامع‌الحکایات و لوامع‌الزّوایات: نثر / فرهاد و شیرین: نظم / روضه خلد: نثر
- بررسی سایر گزینه‌ها:
- ۱) لطایف‌الطّوایف، مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد، من زنده‌ام: نثر
- ۲) قصه‌های دوشنبه، کویر، گلستان: نثر
- ۳) فی حقیقه‌العشق، فیه ما فیه، قابوس‌نامه: نثر
- تلمیح / تمثیل: —
- استعاره در مصراع اوّل: کافور: موی سپید، برف / مشک: موی سیاه، گل‌ها (۲ استعاره)
- بررسی سایر گزینه‌ها:
- ۱) تلمیح / تمثیل: اشاره به آیه ۷۲ سوره احزاب ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَتَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾ همانا ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم؛ پس، از برگرفتن آن خودداری کردند و از آن هراسناک بودند و انسان آن را برگرفت؛ به درستی که او ستمگر و نادان بود. / استعاره در مصراع اوّل: بار امانت: استعاره از عشق و معرفت الهی
- ۲) تلمیح / تمثیل: اشاره به ضرب‌المثل «دیوار موش دارد، موش هم گوش دارد» / استعاره در مصراع اوّل: —
- ۴) تلمیح / تمثیل: اشاره به حدیث شریف «اطلبوا العلم من المهد الی اللحد»
- استعاره در مصراع اوّل: —
- ۸ (۴) ایهام (بیت «ج»): بو: ۱- شمیم و رایحه ۲- امید و آرزو
- تضاد (بیت «ب»): جمع ≠ مشوّش
- جناس ناقص (بیت «د»): تُرک و تُرک
- اغراق (بیت «الف»): خون گریه کردن و این‌که عاشق چنان فراوان بگیرد که هر شب خاک کوی معشوق را رنگین کند.
- ۹ (۱) کنایه: پرده‌دری کنایه از رسوا کردن
- ایهام تناسب: چنگ: ۱- سرپنجه ۲- نوعی ساز (تناسب با پرده عشاق و مطرب) / پرده (مصراع اوّل): ۱- اصطلاح موسیقایی ۲- سرپنجه (تناسب با چنگ) / پرده (مصراع دوم): ۱- پوشش، حجاب ۲- اصطلاح موسیقایی (تناسب با مطرب و پرده عشاق)
- جناس تام: پرده (اصطلاح موسیقایی)، پرده (پوشش، حجاب)
- دَقّت کنیم!** در واژه‌های «عشاق» و «چنگ» هم، به تعبیری معانی چندانگانه‌ای دیده می‌شود که البته ظریف‌تر و از ظاهرینی طراح کنکور دور است و به هر حال، اشاره به موارد نام‌برده، برای رسیدن به پاسخ درست کافی‌ست.
- کنایه: چاشنی گرفتن (در اصل به معنی مزه چشیدن و کنایه از اثر پذیرفتن و مطبوع شدن) / خنده‌های شور (کنایه از خنده‌های دل‌پذیر و زیبا) / حس‌آمیزی: خنده‌های شور (آمیزش دو حس بینایی و چشایی) / مراعات‌نظیر: چاشنی، شور، نمک، کباب
- تا تو دستم به خون نیالایی: تا تو دست به خونم نیالایی
- ۱۱ (۲) **دَقّت کنیم!** در گزینه (۴) نیز، با توجه به کتاب‌های درسی جدید «نیکت بینند» که به صورت «تو را نیک ببینند» بازگردانی می‌شود، جابه‌جایی ضمیر دارد، زیرا به هر حال، ضمیر «ت» در «نیکت» متعلق به «نیک» نیست، امّا توجه به این نکته لازم است که طراح جابه‌جایی ضمیری را که در اصل نقش مضاف‌الیه دارد، به ضمیر متعلق به فعل (مثلاً ضمیری که نقش مفعولی دارد) ترجیح می‌دهد.

مقایسه کلمات کلیدی در گزینه‌ها:

لا أقدر: نمی‌توانم، قادر نیستم؛ فعل مضارع منفی است و فقط مهم این است که به‌صورت حال ترجمه شود. [رد گزینه (۳)]

هذا العمل البحثي: این کار پژوهشی؛ «البحثي» به معنای «پژوهشی» است. [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]

أن يساعدني: که به من کمک کنند؛ فعل مضارع همراه حرف «أن» به‌صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]

کلمات کلیدی: قد أنشد / هذا الشاعر / أبياتاً متعدّدة / ليقرأها (۳) ۲۸

مقایسه کلمات کلیدی در گزینه‌ها:

قد أنشد: سروده است؛ فعل ماضی در صیغه مفرد است و چون همراه «قد» آمده است به‌صورت ماضی نقلی ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]

هذا الشاعر: این شاعر؛ مفرد است [رد گزینه (۱)]

ليقرأها: تا آن‌ها را بخواند؛ فعل مضارع معلوم است چون ضمیر «ها» در آن مفعول است. [رد گزینه‌های (۱) و (۴)]

کلمات کلیدی: لا تنظر / إلى الدنيا / يتلف / عمرک / لا يسمح لك / أن تذوق / طعم الحياة الحقيقي (۳) ۲۹

مقایسه کلمات کلیدی در گزینه‌ها:

إلى الدنيا: به دنیا؛ بدون اسم اشاره آمده و نمی‌توانیم آن را همراه «این» ترجمه کنیم. [رد گزینه (۴)]

يتلف: تباه می‌کند؛ فعل مضارع است. [رد گزینه (۱)]

عمرک: عمرت؛ ضمیر «ک» باید ترجمه شود. [رد سایر گزینه‌ها]

لايسمح لك: به تو اجازه نمی‌دهد؛ فعل مضارع است و نیز ضمیر «ک» باید ترجمه شود. [رد گزینه‌های (۱) و (۴)]

طعم الحياة الحقيقي: طعم حقیقی زندگی؛ یک ترکیب وصفی - اضافی است که در آن باید «الحقیقی» قبل از «الحياة» ترجمه شود. [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]

بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) ۳۰

(۲) «ما أعرفه» به معنای «او را نمی‌شناسم» فعل مضارع منفی است. و نیز «بعد» در عبارت فارسی ترجمه نشده است و همچنین «الاشتياق» هیچ ضمیری ندارد.

ترجمه صحیح: و او را نمی‌شناسم مگر بعد از این‌که شبانه‌روز با اشتیاق وی را تسبیح بگویم.

(۳) «يسمعني» به معنای «به من گوش می‌دهد» است و ضمیر «ي» مفعول است و فعل «يسمع» صیغه «سوم شخص مفرد» است.

ترجمه صحیح: و آن‌چه را در درونم دارم، بیرون می‌ریزم پس در آن‌جا کسی را خواهم یافت که به من گوش دهد.

(۴) «لا يوصلني» فعل مضارع منفی به معنای «مرا نمی‌رساند» است و نیز «إلا» باید در عبارت فارسی ترجمه شود.

ترجمه صحیح: و این شوق مرا نمی‌رساند مگر به کسی‌که همان خدای یگانه است.

ترجمه عبارت: همچون کسی رفتار کن که می‌داند خداوند به بد کردن و نیکی کردن او پاداش می‌دهد. (۲) ۳۱

ترجمه گزینه‌ها:

(۱) و آن‌چه از نیکی برای خودتان پیش بفرستید، آن را نزد خدا می‌یابید. ^{مفهوم} پاداش داشتن خوبی‌های دنیا نزد خداوند

(۲) هر آن‌چه انسان از خوبی یا بدی انجام دهد، برای او محاسبه می‌شود. ^{مفهوم} حساب و کتاب خوبی‌ها و بدی‌ها نزد خداوند

(۳) نیکی آن است که در پنهانی، کار آشکار انجام دهی. ^{مفهوم} برتری کار نیکی که پنهان باشد.

(۴) هر کس خوبی را انجام دهد، در نهایت از آن بهره می‌گیرد. ^{مفهوم} نتیجه خوبی را در این دنیا و آخرت دیدن

توضیح: عبارت سؤال درباره پاداش دادن به بدی‌ها و خوبی‌ها صحبت کرده و گزینه (۲) نیز گفته است خوبی‌ها و بدی‌ها محاسبه می‌شود اما سایر گزینه‌ها فقط درباره خوبی‌ها و نتایج آن گفته است.

عشق: الحب؛ در کلمه «عشق» ضمیری وجود ندارد، پس در تعریب (فارسی به عربی) آن هم نباید ضمیر بیاید. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)] (۲) ۳۲

ظاهر می‌گردد: تظهر؛ معادل دقیق آن «تظهر» است و فعل‌هایی مثل «تتلون: رنگارنگ می‌شود»، «نعتبر: به حساب می‌آوریم» و «تصیر: می‌شود»؛

نمی‌توانند صحیح باشند. [رد سایر گزینه‌ها]

نعمت: النعمة؛ مفرد است و نمی‌تواند به‌صورت جمع بیاید. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

ترجمه عبارت: فقط دانش آموز اخلاک‌گر به هدف والا می‌رسد. (۲) ۳۳

توضیح: این جمله با واقعیت مطابقت ندارد.

ترجمه سایر گزینه‌ها:

(۱) اگر انسان از مواد قندی بیش از حد لازم استفاده کند، پس او به بیماری‌های مختلفی دچار می‌گردد.

(۳) خانواده باید از بچه‌هایش در زمان نشستن آن‌ها در مقابل تلویزیون مراقبت کند.

(۴) قوی‌ترین مردم کسی است که هرگاه به نعمتی دست یافت ماندگاری‌اش را در طول روزها انتظار نداشته باشد.

ترجمه سایر گزینه‌ها:

(۲) فقط کسی که نسبت به آیه‌های قرآن متواضع باشد از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد.

(۳) تنها کسی که تلاش کند و از تنبلی دوری کند به پیشرفت می‌رسد (دست می‌یابد).

(۴) تنها کسی که از اشتباه پند گیرد، آن را ترک می‌کند (از آن دست می‌کشد).

فرهنگ و معارف اسلامی

در آیه ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾: «جن و انس را نیافریدم مگر این‌که مرا عبادت کنند»، هدف انحصاری خلقت جن و انسان مشترکاً بندگی خدا تعریف شده است. در آیه ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدْ ثَوَابَ (كان يُريدُ = ماضی استمراری) الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾: «هرکس نعمت و پاداش دنیا را بخواهد، نعمت و پاداش دنیا و آخرت نزد خداست»، استمرار در طلب نعمت دنیا، پاسخ صحیحی جز بندگی خدا و انجام کارها برای رضای او ندارد.

مسئولیت انسان در برابر سرنوشت خویش، بیانگر قدرت اختیار و انتخاب انسان است که آیه ﴿أَنَا هَدِيْنَاهُ السَّبِيْلَ اَمَّا شَاكِرًا وَّ اَمَّا كَفُوْرًا﴾: «همانا ما راه را به او نشان دادیم یا سپاس‌گزار است یا ناسپاس». بیانگر این امر می‌باشد. این‌که بیهودگی در نظام آفرینش جایگاهی ندارد، از آیه‌ای برداشت می‌شود که بازپس‌بودن خلقت جهان را نفی کرده است. آیه ﴿مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا لِاِعْبِيْن﴾: «و ما آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن‌هاست را به بازپس نیافریدیم». بیانگر آن است.

تذکر: آیه ﴿مَا خَلَقْنَا هُمَا اِلَّا بِالْحَقِّ﴾ بیانگر هدف‌مندی جهان است.

ترجمه آیه شریفه: «کافران گفتند: زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیایی ما نیست. همواره [گروهی از ما] می‌میریم و [گروهی] زنده می‌شویم و ما را فقط گذشت روزگار نابود می‌کند ...» مبنای سخنان منکران معاد است.

محدودیت عمر انسان در دریافت پاداش اعمال، بیانگر ضرورت معاد براساس عدل الهی است. از آن‌جا که پاداش بسیاری از اعمال در این دنیا ممکن نیست و اگر جهان دیگری نباشد که افراد پاداش شایسته اعمالشان را دریافت کنند، بر نظام عادلانه خداوند ایراد وارد می‌شود. بنابراین عدل خدا ایجاب می‌کند که رستاخیزی باشد. چون هر انسانی میل به کمالات بی‌نهایت دارد، به دنبال پایان‌ناپذیرها و افول‌ناشدنی‌هاست. این امر بیانگر ضرورت معاد براساس حکمت الهی است.

عبارت ﴿يَوْمَ يُبْعَثُونَ﴾: «روزی که برانگیخته می‌شوند» در ادامه آیه شریفه ﴿حَتَّىٰ اِذَا جَاءَ اَحَدَهُمُ الْمَوْتُ﴾: «آن‌گاه که مرگ یکی از آن‌ها فرا رسد می‌گوید: پروردگارا مرا بازگردانید.»، اشاره به رستاخیز دارد و یکی از ویژگی‌های آن، این است که پرده‌ها کنار می‌رود و اسرار و حقایق عالم آشکار می‌شود.

نامه عمل نیکوکاران را به دست راست و نامه عمل بدکاران را به دست چپ آن‌ها می‌دهند. اعمال پیامبران و امامان، معیار و میزان سنجش اعمال قرار می‌گیرد؛ زیرا اعمال آن‌ها عین آن چیزی است که خدا به آن دستور داده است.

به میزانی که رشته‌های عفاف انسان ضعیف و گسسته می‌شود، آراستگی و پوشش او سبک‌تر و جنبه خودنمایی به خود می‌گیرد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «لباس نازک و بدن نما نپوشید؛ زیرا چنین لباسی نشانه سستی و ضعف دین است.»

در دوستی با دوستان خدا، اگر می‌خواهیم محبت خداوند در دلمان خانه کند، باید محبت کسانی را که رنگ و نشانی از او دارند و خداوند محبت آنان را به ما توصیه کرده، در دل جای دهیم (تولی). از طرفی اگر کسی بخواهد قلبش را خانه خدا کند، باید شیطان و امور شیطانی را از آن بیرون کند (تبری).

زنان باید حجاب خود را به‌گونه‌ای تنظیم کنند که علاوه بر موی سر، گریبان و گردن آن‌ها را هم بپوشانند.

دو نمونه از مثال‌های قرآنی که دیدگاه سلب آزادی زنان با حجاب را نفی می‌کند، عفت حضرت مریم (س) در معبد و عفت دختران حضرت شعیب (ع) هنگام چوپانی می‌باشد. (قسمت دوم تمام گزینه‌ها درست است.)

بی‌حجابی زنان غرب، بازگشتی به سنت‌های مشرکانه قبل از حضرت مسیح (ع) محسوب می‌شود.

امام کاظم (ع) به شاگرد برجسته خود، هشام بن حکم، فرمود: «ای هشام، خداوند رسولانش را به سوی بندگان نفرستاد، جز برای آن‌که بندگان در پیام الهی تعقل کنند. کسانی این پیام را بهتر می‌پذیرند که از معرفت برتری برخوردار باشند.»

آیه شریفه ﴿اَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الزَّوْا﴾: «خداوند معامله را حلال کرده است اما ربا را حرام» مربوط به عوامل ختم نبوت است که به پویایی و روزآمد بودن دین اسلام، اشاره دارد.

سخن‌گفتن قرآن درباره همه مسائل مهمی که انسان برای هدایت به آن‌ها نیاز دارد، مربوط به اعجاز محتوایی یعنی جامعیت و همه‌جانبه بودن قرآن کریم است و این آیه شریفه که می‌فرماید: ﴿لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيْهِ اخْتِلَافًا كَثِيْرًا﴾: «اگر از نزد غیر خدا می‌بود، در آن ناسازگاری بسیار می‌یافتند.»، مربوط به «انسجام درونی در عین نزول تدریجی» است.

۷۶ (۱)

سرانجام آتش مهار شد، اما درست بعد از این که باعث خسارت زیادی شده بود.

توضیح: در صورتی که دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده باشند، برای عملی که ابتدا انجام شده از زمان گذشته کامل (در این مورد فعل مجهول *had been caused*) و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده (در این مورد *got*) استفاده می شود.

۷۷ (۴)

در حالی که دوستم به تعطیلات یک هفته ای می رود من از بچه های او مراقبت می کنم.

(۱) دنبال ... گشتن

(۳) [مادر، پدر] رفتن به، شبیه ... بودن

(۲) مراقب بودن، مواظب بودن

(۴) مراقبت کردن از

توضیح: مراقبت کردن از، مواظبت کردن از *look after = take care of*

۷۸ (۱)

مدیر برنامه به دانشجویان توصیه کرد تا از اتلاف کردن وقت [خود] برای خواندن مطالبی که خیلی قدیمی بودند اجتناب کنند.

توضیح: (۱) بعد از *advise* (توصیه کردن به)، مصدر با *to* (در این جا *to avoid*) به کار می رود.

(۲) بعد از *avoid* (اجتناب کردن از، خودداری کردن از)، اسم مصدر (در این جا *wasting*) به کار می رود.

(۳) بعد از *waste* (تلف کردن، به هدر دادن)، اسم مصدر (در این جا *reading*) به کار می رود.

... advised the students to avoid wasting time reading ...

اسم مصدر اسم مصدر مصدر با to

۷۹ (۱)

در بخش شمالی کشور، بیش از ۷۵ درصد زمین برای کشاورزی استفاده می شود.

توضیح: با توجه به مفهوم جمله و چون *land* (زمین) به عنوان مفعول، به جایگاه فاعل پیش از فعل منتقل شده است، در این مورد، به ساختار مجهول نیاز داریم. بنابراین گزینه (۱) درست است.

۸۰ (۳)

ورزش و کم کردن وزن می توانند به پایین آوردن فشار خون شما کمک کنند و [همچنین] کمک می کنند شما پرنرژی تر باشید.

(۱) قدم؛ سرعت (۲) انتخاب؛ گزینه (۳) کاهش، ازدست دادن (۴) وظیفه، کار

توضیح: کاهش وزن، ازدست دادن وزن *weight loss*

وزن کم کردن، لاغر شدن *lose weight*

۸۱ (۳)

من و جان بعد از فارغ التحصیل شدن از دانشگاه، بهترین دوستان [هم] شدیم و او با رفتارش عمیقاً بر من تأثیر گذاشت.

(۱) درگیر کردن؛ مستلزم ... بودن (۲) بهبود دادن؛ بهبود یافتن

(۳) اثر گذاشتن بر؛ تحت تأثیر قرار دادن (۴) توصیه کردن به

خلبان هواپیما به دلیل هوای خیلی بد مجبور شد فرود اضطراری انجام دهد.

۸۲ (۴)

(۱) اقتصاد؛ نظام اقتصادی (۲) کشف، اکتشاف

(۳) تدبیر، برنامه، استراتژی (۴) (صفت گونه) اضطراری، حالت اضطراری

۸۳ (۳)

چیزی واقعاً دارد مرا نگران می کند اما دقیقاً نمی توانم توضیح دهم آن چیست.

(۱) جای ... را پیدا کردن

(۲) کنترل کردن، اداره کردن

(۳) [مفهوم، اصطلاح] تعریف کردن؛ [احساسات و غیره] توضیح دادن، شرح دادن

(۴) وقف کردن، اختصاص دادن

۸۴ (۱)

وظیفه اصلی هر مدرسه باید آموزش خواندن، نگارش و حساب باشد.

(۱) مأموریت، وظیفه، رسالت (۲) لرزش (۳) اصطلاح؛ [چهره] حالت (۴) عفونت

۸۵ (۲)

من فکر می کنم هواپیما ظرف چند دقیقه از زمین بلند می شود.

(۱) [تلویزیون و غیره] روشن کردن (۲) [هواپیما و غیره] بلند شدن، از زمین بلند شدن

(۳) [تلویزیون و غیره] صدای ... را بلند کردن (۴) [داستان] سرهم کردن؛ تشکیل دادن، ساختن

۸۶ (۴)

دوست ندارم حیوانات را در باغ وحش ببینم. من ترجیح می دهم آن ها را در قلمروی طبیعی اطرافشان ببینم.

(۱) آسوده، آرام (۲) فردی، انفرادی (۳) مخالف، متضاد (۴) اطراف، مجاور

زبان و ادبیات فارسی

معنی درست واژه: قدوم: آمدن، قدم نهادن، فرارسیدن

۱ (۴)

معنی درست واژه‌ها: مظاهرت: حمایت، پشتیبانی / ورطه: محلّ هلاکت، جای خطرناک / حلاوت: شیرینی، شیرین بودن / وزر: بار گران، بزه، گناه / حطام: مال

۲ (۱)

دنیا، خرده و ریزه

دقت کنیم! معنی درست واژه «ورطه»، «محلّ هلاکت» است، نه «هلاکت» که متأسفانه در انتخاب معنی پیشنهادی به این نکته توجه نشده است.

معنی درست واژه‌ها: خوالیگر: آشپز، طبّاخ / تریاق: پادزهر، ضدّ زهر / بدسگال: بداندیش، بدخواه

۳ (۳)

املاي درست واژه: فصاحت: زبان‌آوری، روانی کلام

۴ (۲)

املاي درست واژه‌ها: فراق: جدایی، دوری (فراق: آسایش) / هایل: هولناک، ترسناک (حایل: هر آن‌چه میان دو چیز قرار بگیرد و مانع از اتصال آن دو

۵ (۲)

باشد، مانع)

بررسی آثار:

۶ (۲)

اتاق آبی: سهراب سپهری

ارزیابی شتاب‌زده: جلال آل‌احمد

ارمیا: رضا امیرخانی

اخلاق محسنی: حسین واعظ کاشفی

استعاره: گهر استعاره از قطره‌های باران / نسبت‌دادن «زمین‌گیر بودن» به «دانه آمید» و «دست» به «ابر» تشخیص و استعاره است. / تشبیه: دانه آمید

۷ (۳)

(اضافه تشبیهی) / جناس: دست، است (ناقص) / تشخیص: در بررسی استعاره اشاره شد.

مرغ دل / دام زلف / دانه خال / طایر اندیشه / دام هوس (۵ تشبیه، همگی از نوع اضافه تشبیهی)

۸ (۴)

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) خار بلا (اضافه تشبیهی) / تشبیه چهره به گل

۲) سیل اشک (اضافه تشبیهی) / خاک وجود و غبار من (به تعبیری، اضافه تشبیهی)

۳) تشبیه قامت به سرو / عارض به ماه

مجاز (بیت «د»): کف: مجاز از دست

۹ (۳)

کنایه (بیت «الف»): روگردان شدن کنایه از جدا شدن و ترک کردن / نعل در آتش نهادن کنایه از بی‌تابی

متناقض‌نما (بیت «ه»): این که افتادگی (افتادن) موجب بلندمرتگی شود.

حسن تعلیل (بیت «ج»): دلیل دشواری قضای روزه، سنگینی روزه و تنها بودن در انجام آن است.

اسلوب معادله (بیت «ب»): من / گریه آمدن بر خشک‌مغزی‌های زاهد = نخل ماتم / اشک حسرت ریختن

تشبیه: من به ابر / به تعبیری، اضافه تشبیهی: روز جوانی / [رفتني] روز جوانی به [رفتني] برق

۱۰ (۲)

مراعات‌نظیر: ابر، برق / دیده، نظر / تشخیص: نسبت دادن «دیده» (چشم) به ابر و به تعبیری، این‌که ابر، آب (اشک) بیفشاند، تشخیص (جان‌بخشی)

به شمار می‌رود.

منظور از جابه‌جا شدن مضاف و مضاف‌الیه، وجود «را» ی فک اضافه است. «را» ی فک اضافه، معادل نقش‌نمای کسره اضافه است؛ بین مضاف و مضاف‌الیه

۱۱ (۱)

قرار می‌گیرد و جای آن دو را با هم عوض می‌کند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) غفلت ما را سبب: سبب غفلت ما ۳) جان غافل را سفر: سفر جان غافل ۴) طفل طبعان را دل: دل طفل طبعان

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱۲ (۲)

۱) تو خود (بدل)

۳) شب و روز (معطوف)

۴) راه و رسم (معطوف)

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱۳ (۳)

۱) خیمه (ی) سلطان / فضای درویش

۲) جدایی

۴) آسودگی

ندانم‌کاری (ن + دان + م + کار + ی) / نافرجامی (نا + فرجام + ی) / نابینا (نا + بین + ا) / سراسری (سر + ا + سر + ی) / نسنجیده (ن + سنجید + ه) /

۱۴ (۲)

بیچارگی (بی + چاره + گ + ی) / بخردی (ب + خرد + ی) / کشتارگاه (کشت + ار + گاه) (۸ واژه)

«توحید» در اصطلاح اهل حقیقت، تجرید ذات الهی است از آن چه فهم و گمان آدمی تصوّر کند.

۲۴ (۱)

این بیت وصف وادی پنجم سیر و سلوک (توحید) در «منطق الطیر» عطار است و می‌توان با توجّه به دو موضوع به این سؤال پاسخ گفت:

۱- وجود دو مفهوم تفرید و تجرید در مصراع دوم (تفرید: یگانه کردن و در اصطلاح صوفیان، تحقّق بنده است به حق، به طوری که حق، عین قوای بنده باشد. / تجرید: در لغت به معنای تنهایی گزیدن و در اصطلاح صوفیه، خالی شدن قلب سالک است از آن چه جز خداست).

۲- تنها واژه‌ای که می‌تواند وزن این مصراع را کامل کند و با واژه «تجرید» قافیه قرار بگیرد، واژه «توحید» در گزینه (۱) است.

۲۵ (۱)

مفهوم گزینه (۱): راهنمای وارسته، مایه رسیدن به کمال است.

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: ظاهر آیینۀ باطن است. / از کوزه همان برون تراود که در اوست.

عربی، زبان قرآن

کلمات کلیدی: کنت أحسّ / سوف تمّر

۲۶ (۴)

مقایسه کلمات کلیدی در گزینه‌ها:

کنت أحسّ: احساس می‌کردم، حس می‌کردم؛ «کان» به همراه فعل مضارع به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های (۱) و (۳)]

سوف تمّر: خواهد گذشت، سپری خواهد شد؛ فعل مستقبل (آینده) است، و «تمّر» فعل مضارع معلوم به معنای «می‌گذرد» است. [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]

کلمات کلیدی: عمل حسن لا تحبّ / عمل سیّئ تحبّه

۲۷ (۳)

مقایسه کلمات کلیدی در گزینه‌ها:

عمل حسن لا تحبّ: کار خوبی که دوست نداری؛ «عمل» و «حسن» مفرد هستند و نمی‌توانند به صورت جمع ترجمه شوند. [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]

عمل سیّئ تحبّه: کار بدی که دوستش داری؛ «سیّئ» مفرد است. [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]

کلمات کلیدی: الغد المضيّء / بأحسن وجه / يعرف / ينتفع / يتعلّق

۲۸ (۱)

مقایسه کلمات کلیدی در گزینه‌ها:

الغد المضيّء: فردای روشنی‌بخش؛ «المضيّء» صفت اسم است و نمی‌تواند به صورت خبر یا جمله وصفیه ترجمه شود و نیز «الغد» معرفه است نمی‌تواند به صورت نکره ترجمه شود. [رد سایر گزینه‌ها]

بأحسن وجه: به بهترین وجه؛ «أحسن» اسم تفضیل است. [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]

کلمات کلیدی: قد عرفوا / لم يُضَيّعوا / توصّلوا / حقيقة الحياة

۲۹ (۲)

مقایسه کلمات کلیدی در گزینه‌ها:

قد عرفوا: شناخته شده‌اند؛ فعل ماضی مجهول است. [رد سایر گزینه‌ها]

لم يُضَيّعوا: تباها نکرده‌اند، از بین نبرده‌اند؛ فعل مضارع همراه «لم» به صورت ماضی منفی ترجمه می‌شود و نیز فعل معلوم است. [رد گزینه (۴)]

قَصّر: کوتاه کن؛ قَصّر به معنای «کوتاه کن» است و نمی‌توان آن را به صورت «مقصر بدان» ترجمه کرد.

۳۰ (۴)

لا خیر: هیچ خیری نیست؛ «لا» نفی جنس به صورت «هیچ ... نیست» ترجمه می‌شود.

ترجمه صحیح: آرزوهایت را کوتاه کن، زیرا هیچ خیری در زیادی آن‌ها نیست.

ترجمه عبارت: «با مردم به اندازه عقل‌هایشان صحبت کن.»

۳۱ (۱)

ترجمه گزینه‌ها:

(۱) قطعاً بهترین سخن آن است که فهمش برای مردم ممکن باشد. (۲) قطعاً شما مسئول سخن خود در میان مردم هستید.

(۳) باید زبان‌تان را در برابر مردم حفظ کنید. (۴) فکر کن قبل از این‌که در برابر مردم شروع به سخن‌گفتن کنی.

توضیح: مفهوم عبارت سؤال و گزینه (۱) هر دو به «صحبت کردن با مردم به اندازه فهم و درکشان» اشاره دارد.

گمان می‌کنم: أظنّ، أفکر؛ فعل مضارع است. [رد گزینه‌های (۱) و (۴)]

۳۲ (۳)

کوچک و بزرگ آن‌ها: الضعیر منهم و الکبیر، صغیرهم و کبیرهم [رد گزینه (۲)]

ترجمه عبارت: مردم گناه می‌کنند و بسیاری از این گناهکاران قطعاً توبه می‌کنند.

۳۳ (۲)

این عبارت «نادرست» است، چون از کلمه «قطعاً» در جمله استفاده کرده است در حالی‌که برخی از گناهکاران ممکن است توبه کنند ولی اگر «بسیاری از آن‌ها» را مد نظر بگیریم، نادرست است.

زبان و ادبیات فارسی

- ۱ (۲) معنی درست واژه: آبرش: اسبی که بر اعضای او نقطه‌ها باشد؛ در کتاب درسی مطلق اسب منظور است. (ابلق: اسبی که به دو رنگ سیاه و سفید باشد).
- ۲ (۱) بررسی سایر گزینه‌ها:
- (۲) قدوم: آمدن، قدم نهادن
- (۳) اعراض: روی برگرداندن
- (۴) مُنْكَر: زشت (منکر: انکارکننده) / جُئِب: گریبان، یقه (جبهه: پیشانی)
- ۳ (۲) معنی درست واژه‌ها: بی‌گاه: دیر (یکایک: ناگهان) / سَموم: باد بسیار گرم و زیان‌رساننده
- ۴ (۳) املاي درست واژه‌ها: الف) مخذول: خوار، زبون‌گردیده / ب) طباع: سرشت‌ها، خوی‌ها
- ۵ (۴) املاي درست واژه: فراق: دوری، هجران (فراغ: آسایش)
- ۶ (۱) بررسی آثار:
- از پاریز تا پاریس: محمدابراهیم باستانی پاریزی
- اسرارنامه: عطّار
- اسرارالتوحید: محمدبن منوّر
- بخارای من ایل من: محمد بهمن‌بیگی
- ۷ (۳) تضاد (بیت «د»): بُعد و دوری $\neq$ وصال
- ایهام (بیت «الف»): بو: ۱- رایحه ۲- امید و آرزو
- تناقض (بیت «ه»): دام نجات
- تشخیص (بیت «ج»): نسبت دادن حیا کردن و نشستن به سرو
- حسن تعلیل (بیت «ب»): شاعر دلیل نیامدنش به کوی معشوق را این می‌داند که اشک‌های فراوانش در هجر یار، راه آمدنش را سد کرده است.
- تشبیه: صحرای هوس (اضافه تشبیهی)
- استعاره: جان‌بخشی به دل تشخیص و استعاره است.
- کنایه: سر در هوا بودن معادل کنایه حواس‌پرت بودن
- تشبیه: آن چه به ماتم / آن چه به سور / دار به نخل / دار به رایت
- ۹ (۴) ایهام تناسب: منصور: ۱- پیروز، یاری‌شده (معنی درست) ۲- حسین‌بن منصور حلاج (تناسب با دار)
- دار: ۱- چوبی که مجرمان محکوم به مرگ را از آن حلق‌آویز می‌کنند. (معنی درست) ۲- درختی که میوه نمی‌دهد. (تناسب با نخل)
- نخل: ۱- تابوت (معنی درست) ۲- درخت خرما (تناسب با دار)
- تناقض: سور دانستن ماتم / رایت دانستن دار و نخل
- تلمیح: اشاره به داستان به دار کشیده شدن حسین‌بن منصور حلاج
- دَقّت کنیم!** با توجه به این‌که پیام دو مصراع، معادل یک‌دیگر است، برای درک تناقض در «رایت دانستن دار و نخل»، لازم است معانی مختلف نخل (درخت خرما، تابوت) را بررسی کنیم و با بررسی معانی نخل، به معانی مختلف دار (چوبه اعدام، درخت) هم توجه کنیم و با در نظر گرفتن معانی این دو واژه، ایهام تناسب‌هایی علاوه بر ایهام تناسب در واژه «منصور» آشکار می‌شود؛ چنان‌که در شرح پاسخ اشاره کردیم یکی از معانی نخل، «تابوت» است که نشانه ماتم و سوگواری‌ست و در این معنی، با «رایت» (پرچم) که نشان سرافرازی و نشاط و پیروزی‌ست، تقابل دارد.
- تشبیه (بیت «ج»): تشبیه شکن طرّه معشوق به دام / طرّه هندو (اضافه تشبیهی): تشبیه طرّه به هندو
- تشخیص (بیت «ه»): این‌که اشک بتواند مَت خاکِ درِ معشوق را بپذیرد - درحالی‌که «خاک همه درها» زیر بار مَت اشک هستند - و همین‌طور نسبت دادن مَت به آن، تشخیص به‌شمار می‌رود.
- تلمیح (بیت «د»): اشاره به آیه شریفه ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾
- مجاز (بیت «الف»): جام مجاز از شراب
- کنایه (بیت «ب»): نقش چیزی را بر آب زدن کنایه از نابود کردن و محو کردن آن / خود پرستیدن کنایه از مغرور بودن / نقش چیزی را خراب کردن کنایه از نابود کردن آن (نقش خودپرستی را خراب کردن کنایه از ترک خودپرستی)

زبان و ادبیات فارسی

- ۱ (۲) معنی درست واژه: آبرش: اسبی که بر اعضای او نقطه‌ها باشد؛ در کتاب درسی مطلق اسب منظور است. (ابلق: اسبی که به دو رنگ سیاه و سفید باشد).
- ۲ (۱) بررسی سایر گزینه‌ها:
- (۲) قدوم: آمدن، قدم نهادن
- (۳) اعراض: روی برگرداندن
- (۴) مُنْكَر: زشت (منکر: انکارکننده) / جُئِب: گریبان، یقه (جبهه: پیشانی)
- ۳ (۲) معنی درست واژه‌ها: بی‌گاه: دیر (یکایک: ناگهان) / سَموم: باد بسیار گرم و زیان‌رساننده
- ۴ (۳) املاي درست واژه‌ها: الف) مخذول: خوار، زبون‌گردیده / ب) طباع: سرشت‌ها، خوی‌ها
- ۵ (۴) املاي درست واژه: فراق: دوری، هجران (فراغ: آسایش)
- ۶ (۱) بررسی آثار:
- از پاریز تا پاریس: محمدابراهیم باستانی پاریزی
- اسرارنامه: عطّار
- اسرارالتوحید: محمدبن منوّر
- بخارای من ایل من: محمد بهمن‌بیگی
- ۷ (۳) تضاد (بیت «د»): بُعد و دوری $\neq$ وصال
- ایهام (بیت «الف»): بو: ۱- رایحه ۲- امید و آرزو
- تناقض (بیت «ه»): دام نجات
- تشخیص (بیت «ج»): نسبت دادن حیا کردن و نشستن به سرو
- حسن تعلیل (بیت «ب»): شاعر دلیل نیامدنش به کوی معشوق را این می‌داند که اشک‌های فراوانش در هجر یار، راه آمدنش را سد کرده است.
- تشبیه: صحرای هوس (اضافه تشبیهی)
- استعاره: جان‌بخشی به دل تشخیص و استعاره است.
- کنایه: سر در هوا بودن معادل کنایه حواس‌پرت بودن
- ۹ (۴) تشبیه: آن چه به ماتم / آن چه به سور / دار به نخل / دار به رایت
- ایهام تناسب: منصور: ۱- پیروز، یاری‌شده (معنی درست) ۲- حسین‌بن منصور حلاج (تناسب با دار)
- دار: ۱- چوبی که مجرمان محکوم به مرگ را از آن حلق‌آویز می‌کنند. (معنی درست) ۲- درختی که میوه نمی‌دهد. (تناسب با نخل)
- نخل: ۱- تابوت (معنی درست) ۲- درخت خرما (تناسب با دار)
- تناقض: سور دانستن ماتم / رایت دانستن دار و نخل
- تلمیح: اشاره به داستان به دار کشیده شدن حسین‌بن منصور حلاج
- دَقّت کنیم!** با توجه به این‌که پیام دو مصراع، معادل یک‌دیگر است، برای درک تناقض در «رایت دانستن دار و نخل»، لازم است معانی مختلف نخل (درخت خرما، تابوت) را بررسی کنیم و با بررسی معانی نخل، به معانی مختلف دار (چوبه اعدام، درخت) هم توجه کنیم و با در نظر گرفتن معانی این دو واژه، ایهام تناسب‌هایی علاوه بر ایهام تناسب در واژه «منصور» آشکار می‌شود؛ چنان‌که در شرح پاسخ اشاره کردیم یکی از معانی نخل، «تابوت» است که نشانه ماتم و سوگواری‌ست و در این معنی، با «رایت» (پرچم) که نشان سرافرازی و نشاط و پیروزی‌ست، تقابل دارد.
- تشبیه (بیت «ج»): تشبیه شکن طرّه معشوق به دام / طرّه هندو (اضافه تشبیهی): تشبیه طرّه به هندو
- تشخیص (بیت «ه»): این‌که اشک بتواند مَت خاکِ درِ معشوق را بپذیرد - درحالی‌که «خاک همه درها» زیر بار مَت اشک هستند - و همین‌طور نسبت دادن مَت به آن، تشخیص به‌شمار می‌رود.
- تلمیح (بیت «د»): اشاره به آیه شریفه ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾
- مجاز (بیت «الف»): جام مجاز از شراب
- کنایه (بیت «ب»): نقش چیزی را بر آب زدن کنایه از نابود کردن و محو کردن آن / خود پرستیدن کنایه از مغرور بودن / نقش چیزی را خراب کردن کنایه از نابود کردن آن (نقش خودپرستی را خراب کردن کنایه از ترک خودپرستی)



(۲) همانا قرآن همهٔ مردم را با اختلافاتشان در فرهنگها، مخاطب قرار می‌دهد.

(۳) هرکه به خودش اعتماد کند به اهدافش می‌رسد.

ترجمهٔ درک مطلب:

المألوف أن يشكر الإنسان أصدقاءه (مرسوم است که انسان از دوستانش تشکر کند) لأنهم عونٌ له على مصائب الدهر (زیرا آن‌ها کمکی برای اویند در مصیبت‌های روزگار) و بهم يبتهج الإنسان و يأنس، (و به وسیلهٔ آن‌ها انسان شاد می‌شود و مأنوس می‌گردد) و كذلك قد تعود الإنسان (و همچنین انسان عادت کرده است) أن يهرب من عدوه (که از دشمنش فرار کند) و ممن ينقده و يذمه! (و (نیز) از کسی که از او انتقاد می‌کند و دشنامش می‌دهد و سرزنشش می‌کند) ولكن بسبب أن عين الصديق (ولی بدین سبب که چشم دوست) لا ترى معايب صديقه، (عیب‌های دوستش را نمی‌بیند) حيث إن عين المحبة تستر هذه المعاييب، (به طوری که چشم محبت، این عیب‌ها را می‌پوشاند) فالنتيجة هي بقاء الصديق على عيوبه! (پس نتیجه همان باقی ماندن دوست بر عیب‌هایش است) أمّا عين العدو فهي حريصة على البحث عن السيئات لتعلنها. (اما چشم دشمن به شدت در جست‌وجوی بدی‌هاست تا آن‌ها را اعلام کند). فلذلك نظطرّ إلى اجتناب العيوب (به همین علت ناچار می‌شویم از عیب‌ها دوری کنیم) حتّى لا يقوم العدو بإفشائها (تا این‌که دشمن به فاش کردن آن‌ها اقدام نکند) ليجعلها وسيلة للسيطرة علينا؛ (تا آن‌ها را وسیله‌ای برای تسلط بر ما قرار دهد) و من فهم أنّه يمكن أن يخطأ (و هر کس بفهمد که او ممکن است اشتباه کند) يبحث عمّن يذكّره! (دنبال کسی که تذکرش دهد می‌گردد) و من نتائج مراقبة العدو (و از نتایج مراقبت دشمن) على كلّ صغيرة وكبيرة متّاً (بر هر (چیز) کوچک و بزرگی از ما) أننا نزيد إشرافنا (این است که زیاد می‌کنیم نظارت‌مان را) على إصلاح أنفسنا و تهذيب أخلاقنا. (بر اصلاح خودمان و پرورش اخلاقمان) فهذه الرؤية إذا قويت (پس این دیدگاه هنگامی که تقویت شود) و اعتقد بها جميع أفراد الأمة (و معتقد باشند به آن تمام افراد امت) من الرؤساء و الكتّاب و ... تقدّمت البلاد. (از رؤیسان و نویسندگان و ... کشور پیشرفت می‌کند).

معنای کلمات این متن:

۱- المألوف: مرسوم	۲- عون: کمک	۳- يبتهج: شاد می‌شود	۴- يأنس: مأنوس می‌گردد
۵- قد تعود: عادت کرده است	۶- أن يهرب: که فرار کند	۷- ينقده: از او انتقاد می‌کند	۸- يذمه: دشنامش می‌دهد
۹- يذمه: سرزنشش می‌کند	۱۰- لتعلنها: تا آن‌ها را اعلام کند	۱۱- نظطرّ: ناچار می‌شویم	۱۲- إفشائها: فاش کردن آن‌ها
۱۳- ليجعلها: تا بر ما قرار دهد	۱۴- للسيطرة: برای تسلط	۱۵- أن يخطأ: که اشتباه کند	۱۶- يذكّره: به او تذکر می‌دهد
۱۷- نزيد: زیاد می‌کنیم	۱۸- إشرافنا: نظارت‌مان	۱۹- تهذيب: پرورش	۲۰- الرؤية: دیدگاه
۲۱- تقدّمت: پیشرفت کرد			

چه زمانی اعلام کمبودها و آشکار کردن آن‌ها کلیدی برای رسیدن به بزرگی‌ها می‌شود؟

۳۴ (۱)

ترجمهٔ گزینه‌ها:

- ۱) هنگامی که توقع نداریم از خودمان که اعمالمان همگی خوب و صحیح هستند.
 - ۲) هنگامی که به خودمان اهمیت دهیم و نمی‌خواهیم آن را به کسی که ما را نمی‌خواهد بفروشیم.
 - ۳) هنگامی که این کمبودها از زبان دشمنان و قلم‌هایشان خارج شود.
 - ۴) هنگامی که نظارت‌مان را بر اصلاح خودمان و پرورش اخلاقمان بیشتر کنیم.
- توضیح:** با توجه به متن هنگامی که از خودمان توقع نداشته باشیم که همهٔ اعمالمان خوب و صحیح هستند، اعلام عیب‌ها و نواقص و آشکار نمودن آن‌ها کلید رسیدن به فضایل است.

[گزینهٔ] صحیح را مشخص کن:

۳۵ (۴)

ترجمهٔ گزینه‌ها:

- ۱) از وظایف دشمن اصلاح بدی‌های دوست است.
 - ۲) کشور با دوستان پیشرفت نمی‌کند بلکه البته با دشمنان پیشرفت می‌کند.
 - ۳) ستایش کردن از وظایف دوست است، همان‌طور که سرزنش کردن از وظایف دشمن است.
 - ۴) گاهی اوقات، مخالف، بیشتر از کمک دوست به ما کمک می‌کند.
- توضیح:** با توجه به متن گاهی اوقات، مخالف با نگاه انتقادی خویش بیشتر از یک دوست می‌تواند به ما کمک کند؛ زیرا ما درصدد جبران آن اشتباهات و عیب‌ها برمی‌آییم ولی به این معنا نیست که اصلاح بدی‌های دوست از وظایف دشمن باشد.





بسیاری از مردم اعتقاد دارند که نقاش اسپانیایی پابلو پیکاسو (۱۸۸۱-۱۹۷۳) خلاق‌ترین و تأثیرگذارترین هنرمند قرن بیستم بود. پیکاسو از سن بسیار پایین در ترسیم و نقاشی بسیار ماهر بود. شخصیت بی‌قرار او منجر شد تا او در سبک‌های متفاوت بسیاری نقاشی کند. یک سبک، «دوران آبی» نقاشی او بود، هنگامی که او بر روی آبی به عنوان رنگ اصلی نقاشی‌هایش تمرکز کرد. در [سال] ۱۹۰۷، پیکاسو یک نقاشی با عنوان دوشیزگان آوینیون کشید که افراد بسیاری را شوکه کرد؛ آن نقاشی چهره‌های انسانی بود که در اشکال زاویه‌دار و خمیده نشان داده شده بودند. این منجر به [شکل‌گیری] سبکی از نقاشی با عنوان کوبیسم شد.

توضیح: با توجه به مفهوم جمله، در این جمله به صفت عالی نیاز داریم. علاوه بر این، به دلیل چند بخشی بودن creative، برای درست کردن صفت عالی، قبل از آن the most اضافه می‌گردد.

- | | | | |
|-------------|----------------------|--------------------|----------------|
| بی‌ضرر (۱) | بی‌خانمان (۲) | بی‌قرار (۳) | بی‌شمار (۴) |
| ۸۹ (۳) | | | |
| با ارزش (۱) | قطعی؛ خاص، مطمئن (۲) | قدیمی، باستانی (۳) | اصلی، عمده (۴) |
| ۹۰ (۴) | | | |

توضیح: با توجه به کاربرد عبارت اسمی غیرانسان قبل از جای خالی و کاربرد فعل پس از آن، در جای خالی به ضمیر موصولی فاعلی برای غیرانسان (which/that) نیاز داریم.

- | | | | |
|---------------|----------|------------------|--------------------------|
| شکل؛ چهره (۱) | رشته (۲) | مسأله، موضوع (۳) | اصطلاح؛ ترم، نیم‌سال (۴) |
| ۹۲ (۱) | | | |

در روز بیش از دویست میلیون بار در روز، دیافراگم دوربینی در جایی از جهان کلیک می‌کند تا عکس بگیرد. تصاویر فوری خانوادگی که خاطرات شاد را ثبت می‌کنند، تصاویر خبری دراماتیک، تصاویر سیاره [زمین] که از ماهواره‌ها در فضا ارسال می‌شود و بسیار بیش‌تر [از این] وجود دارد. کارکردهای عکاسی فراوان هستند و همواره کارکردهای جدیدی یافت می‌شوند. اولین عکس‌ها با پوشاندن ورقه‌های فلز صیقل داده شده به وسیله مواد شیمیایی حساس به نور به وجود آمدند، اما این عکس‌ها به رنگ خاکستری مایل به نقره‌ای مات ظاهر می‌شدند و آن‌ها را تنها می‌شد از زوایای خاصی دید. در طول قرن نوزدهم، فرایندهای جدیدی برای پخش کردن مواد شیمیایی بر روی صفحه شیشه‌ای یا بر روی فیلم سلولز (نوعی پلاستیک) ابداع شد. در نهایت، عکس‌ها را می‌شد یا به صورت سیاه و سفید یا کاملاً رنگی تولید کرد. امروزه فیلم هنوز به کار می‌رود، هر چند به سرعت توسط عکاسی دیجیتال جایگزین می‌شود. دوربین‌های دیجیتال به جای فیلم از تراشه حساس به نور استفاده می‌کنند و تصاویر را به صورت فایل‌های عکس دیجیتال ذخیره می‌کنند که می‌توانند به کامپیوتر منتقل شوند. [در] آن‌جا، قبل از این‌که آن‌ها پرینت گرفته شوند یا از طریق اینترنت به هر جایی از جهان فرستاده شوند، می‌توانند تغییر داده شوند.

کدام یک از موارد زیر بهترین عنوان برای متن خواهد بود؟

- | | |
|--------------------------|-------------------------|
| کارکردهای عکاسی (۱) | تاریخچه عکاسی (۲) |
| ۹۳ (۲) | |
| عکاسی در دنیای امروز (۳) | عکاسی در قرن نوزدهم (۴) |

کدام یک از موارد زیر به عنوان یکی از دلایل روزمره عکس گرفتن ذکر نشده است؟

- | | |
|---------------------------|--------------------|
| داستان‌های خبری (۱) | اکتشافات فضایی (۲) |
| ۹۴ (۴) | |
| اجتماعات شاد خانوادگی (۳) | مقاصد تبلیغاتی (۴) |

کدام یک از موارد زیر در مورد عکس‌های اولیه صحیح است؟

- | | |
|---|---|
| آن‌ها با استفاده از برخی مواد شیمیایی درست می‌شدند. (۱) | آن‌ها از هر زاویه‌ای قابل رؤیت بودند. (۲) |
| ۹۵ (۱) | |
| آن‌ها از فیلمی از [جنس] سلولز درست می‌شدند. (۳) | آن واضح اما از نظر رنگ خاکستری‌رنگ بودند. (۴) |

کلمه "store" (ذخیره کردن) در سطر ۸ به چه معنی است؟

- | | |
|-------------------------|----------------------------|
| وصل کردن، متصل کردن (۱) | نشان دادن (۲) |
| ۹۶ (۳) | |
| ذخیره کردن (۳) | فراهم کردن، ارائه کردن (۴) |

لئوناردو داوینچی در [سال] ۱۴۵۲ در ناحیه فلورانس ایتالیا متولد شد. او کارهای بسیاری انجام داد. او دانشمند، مخترع، موسیقی‌دان، ریاضی‌دان و معمار بود. او در مورد حیوانات و گیاهان هم اطلاع داشت. او می‌توانست کارهای بسیاری را به خوبی انجام دهد. لئوناردو برای نقاشی‌اش مشهور بود. او مونالیزا و شام آخر را کشید. آن‌ها مشهورترین تابلوهای او هستند و بسیاری از مردم درباره آن‌ها می‌دانند. او کار کردن بر روی شام آخر را در [سال] ۱۴۹۵ در میلان آغاز کرد و آن را در [سال] ۱۴۹۸ به اتمام رساند. [هم‌چنین] او کار کردن بر روی مونالیزا را در سال ۱۵۰۳ در ایتالیا آغاز کرد و آن را مدت کوتاهی قبل از این‌که فوت کند به اتمام رساند. آن در حال حاضر در فرانسه است. تابلوهای لئوناردو خیلی خوب بودند. او درک می‌کرد که بدن‌های انسان [ها] چه‌طور کار می‌کند. علاوه بر این، او می‌دانست [که] افراد شاد یا ناراحت چه‌طور به نظر می‌رسند، چون‌که او می‌دانست احساس





ضروری است که از شرایط سیاسی و اجتماعی جهان اطلاع یابیم. ما باید بتوانیم به گونه‌ای عمل کنیم که بیشترین ضربه را به مستکبران و نقشه‌های تفرقه‌افکنانه آنان بزنیم و خود کمترین آسیب را ببینیم. مردم باید با استقامت خود در برابر مشکلات و تهاجم دشمنان، فرصت و توان مقابله با مشکلات داخلی و خارجی را برای رهبر فراهم کنند.

۶۷ (۲)

هدف مکمل در امر ازدواج، همان رشد و پرورش فرزندان است. زیرا خانواده با تولد فرزندان کامل می‌شود. این هدف در آیه ﴿وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً...﴾ مورد توجه قرار گرفته است. کدام افتخار بالاتر از آن که خداوند تربیت و پرورش چند تن از بندگان خود را به پدر و مادر سپرده است. به همین علت خداوند احترام و اطاعت از والدین را هم‌ردیف طاعت و عبادیت خود قرار داده است.

۶۸ (۳)

ولایت به معنی سرپرستی و حق تصرف داشتن است. از آن جا که خداوند مالک حقیقی جهان است، بر آن ولایت نیز دارد. یعنی هرگونه تصرف در جهان، حق او و شایسته اوست، این موضوع بیانگر توحید در ولایت است. هم‌چنین توحید در خالقیت به این معناست که خداوند تنها مبدأ و خالق جهان است. موجودات همه مخلوق او هستند و در کار آفرینش شریک و همتایی ندارد. به عبارت دیگر، جهان از مبداهای متعددی پدید نیامده است.

۶۹ (۱)

روگردانی از خدا از عبارت شریفه ﴿إِنْ قُلْتُ عَلَىٰ وَجْهِهِ﴾: «از خدا رویگردان می‌شود»، برداشت می‌شود و پرسش ﴿أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا﴾: «آیا تو می‌توانی ضامن او باشی [و به دفاع از او برخیزی]؟»، به صورت استفهام انکاری مطرح گردیده است.

۷۰ (۲)

در جهنم که عذاب، بنابر کردار دنیایی انسان است، تجسم خود عمل، یعنی حقیقت و عین عمل، نمایان می‌شود و در انتهای آیه: ﴿... وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ﴾: «... و نیز خداوند هرگز به بندگان ستم نمی‌کند»، به عدم ستم و در نتیجه عدل الهی که دلیلی بر ضرورت معاد می‌باشد، اشاره شده است.

۷۱ (۳)

آیه ﴿كُلًّا نَّمِدُّ هَؤُلَاءِ وَ هَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا﴾: «هر یک از اینان و آنان (خواهان آخرت و دنیا) را مدد می‌رسانیم از عطای پروردگارت و عطای پروردگارت [از کسی] منع نشده است»، اشاره به سنت امداد عام الهی دارد و خداوند برای کسانی که با اختیار خود، راه حق یا باطل را برگزینند، امکانات و لوازم رسیدن به خواسته‌هایشان را فراهم می‌کند. در قسمت اول گزینه‌های (۳) و (۴)، سنت «املاء» یا «امهال» بیان شده است. بررسی ضعف‌ها و قوت‌های تمدن جدید در عرصه‌های مختلف این کمک را به ما می‌کند که در راستای احیای تمدن اسلامی، از نقاط قوت این تمدن بهره‌مند شویم و با عبرت گرفتن از ضعف‌ها و آسیب‌های آن، بتوانیم برنامه‌ریزی درست و کم‌اشتباهی را برای سامان‌دهی تمدن اسلامی و رسیدن به الگوی زندگی مبتنی بر تعالیم دین داشته باشیم.

۷۲ (۱)

تمدن دوم اروپا که به تمدن دوره قرون وسطی مشهور است، با کنار گذاشتن اعتقادات باستانی و بت‌پرستی و روی آوردن به مسیحیت آغاز شد. این تمدن، برای اروپایی که قرن‌ها گرفتار بت‌پرستی بود، یک حرکت رو به جلو محسوب می‌شد.

۷۳ (۲)

گذر از عصر جاهلیت به عصر اسلام نیازمند تغییر در نگرش انسان‌ها و تحوّل بنیادین در شیوه زندگی فردی و اجتماعی مردم بود. رسول خدا(ص) این رسالت را از شهر مکه آغاز کرد و با کمک یاران خود در مدینه پایه‌های تمدن اسلامی را چنین بنا نهاد و در ابتدای دعوت مردم به یکتاپرستی فرمود: «ای مردم بگوئید معبودی جز «الله» نیست تا رستگار شوید.» نخستین آیاتی که بر پیامبر نازل شد و آغازگر رسالت وی بود، در مورد دانش و آموختن بود.

۷۴ (۱)

شرط‌بندی، از امور زیان‌آور روحی و اجتماعی است و انجام آن حتّی در بازی‌ها و ورزش‌های معمولی حرام است. هم‌چنین دادن جایزه توسط سازمان‌ها، نهادها و افراد به ورزشکاران جایز است و اگر کسانی این جوایز را به این نیت بدهند که افراد جامعه به ورزش و بازی‌های مفید رو آورند و سلامت جسم و جان خود را افزایش دهند، کار نیکویی کرده‌اند و از پاداش اخروی بهره‌مند خواهند بود.

۷۵ (۲)

زبان انگلیسی

من اغلب از رفتن به خرید در آخر هفته‌ها اجتناب می‌کنم چون که فروشگاه‌ها خیلی شلوغ هستند.

۷۶ (۳)

توضیح: بعد از avoid (اجتناب کردن از، خودداری کردن از) اسم مصدر (فعل) (avoiding) به کار می‌رود.

این آپارتمان برای زندگی خانواده بزرگ من خیلی کوچک است. فکر کنم باید به جای بزرگ‌تری نقل مکان کنیم.

۷۷ (۲)

توضیح: از have to یا has to برای بیان اجبار و ضرورت در زمان حال و آینده استفاده می‌شود و همچون افعال وجهی، فعل اصلی قرار گرفته بعد از آن‌ها نیز به شکل ساده (در این مورد move) به کار می‌رود.

خوش‌شانس نبودم - بستی که برای دخترم خریده بودم، زمانی که آن را به خانه آوردم شروع به آب شدن کرد.

۷۸ (۱)

توضیح: در صورتی که دو فعل در گذشته با فاصله زمانی از یک‌دیگر انجام شده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده از زمان گذشته کامل (در این مورد had bought) و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده (در این تست started) استفاده می‌کنیم.

شیلا ناراحت است چون که بیشتر عکس‌هایی که در جشن تولدش گرفته شده بودند، تار هستند.

۷۹ (۱)

توضیح: با توجه به کاربرد اسم غیر انسان (photographs) پیش از جای خالی و فعل (had been taken) پس از آن، ضمیر موصولی حالت فاعلی برای غیر انسان دارد و در جای خالی می‌توان از which یا that استفاده کرد.



دفاع از خود؛ فَإِنَّ الْأَلْوَانَ المختلفة على جناحها (چرا که رنگ‌های مختلف بر بالش) من أحسن الوسائل الدفاعية لدى الفراشة، (از بهترین وسایل دفاعی است که پروانه دارد) كما أَنَّ لجناح الفراش فائدة أخرى، (همان‌طور که بال پروانه فایده دیگری دارد) فهو يستعمل الجناح (چرا که او بال را به‌کار می‌برد) كوسيلة للتعرف بين الفراشات (به‌عنوان وسیله‌ای برای شناخت میان پروانه‌ها) أثناء عملية التكاثر! (در جریان فرایند تکثیر (زاد و ولد)!) إِنَّ بعض أنواع الفراش (همانا برخی از انواع پروانه‌ها) يعيش على شكل تجمعات كبيرة (به‌شکل گروه‌های بزرگی زندگی می‌کنند) حيث تقوم بحوائج بقائها بصورة جماعية! (به طوری که [به برآوردن] نیازهای بقایشان به‌صورت گروهی می‌پردازند)

معنای کلمات این متن:

- | | | | |
|---------------------|-----------------------|----------------------------|----------------------|
| ۱- تتناول: می‌خورد | ۲- التَّعَرَّف: شناخت | ۳- التَّكَاثَر: تکثیر کردن | ۴- الطَّيْران: پرواز |
| ۵- حوائج: نیازها | ۶- نرى: می‌بینیم | ۷- بقاء: زندگی | ۸- أثناء: میان |
| ۹- الظَّلام: تاریکی | ۱۰- وَهَبَ: بخشید | ۱۱- الألوان: رنگ‌ها | ۱۲- جناح: بال |
- ۱۳- لدى: نزد

از ویژگی‌های پروانه ----- (۱) ۳۴

ترجمه گزینه‌ها:

- (۱) ترجیح نور به تاریکی. وجود رنگ‌های مختلف در خرطومش.
- (۳) فرار از گرما. سرعت پرواز و زیادی آن در فاصله‌های نزدیک فقط.

توضیح: بر اساس خط دوم متن، پروانه‌ها به‌سوی نور حرکت می‌کنند.

پروانه آن‌چه را که می‌خورد کجا می‌یابد؟ (پروانه غذایش را کجا پیدا می‌کند؟) (۱) ۳۵

ترجمه گزینه‌ها:

- (۱) در مکان‌هایی که در آن گل است. (۲) در مناطقی دارای گرمای اندک.
- (۳) در باغ‌هایی پربرگ. (۴) در زمین‌هایی پرآب و رودها.

توضیح: طبق خط اول متن، پروانه از عصاره گل‌ها غذا می‌خورد.

کدام موضوع در متن نیامده است؟ (۲) ۳۶

ترجمه گزینه‌ها:

- (۱) زاد و ولد پروانه. (۲) آن‌چه پروانه را در زندگی تهدید می‌کند.
- (۳) آن‌چه برای زندگی نیاز دارد. (۴) راه دفاع از خود.

توضیح: به دشمنان پروانه در متن اشاره‌ای نشده است.

از متن چه نتیجه‌ای می‌گیریم؟ (۴) ۳۷

ترجمه گزینه‌ها:

- (۱) کوچک و بزرگ یک خلقت دارند. (۲) دست خدا با جماعت است.
- (۳) پرندگان پرواز به‌سوی نور را دوست دارند. (۴) لزوماً ناتوان، شکست نمی‌خورد.

توضیح: طبق پاراگراف دوم متن رنگ‌های مختلفی که بر روی بال پروانه است یکی از بهترین وسایل دفاعی او به‌حساب می‌آید پس لزوماً همیشه مغلوب دشمنانش نیست.

حرکت‌گذاری کامل عبارت: «كثيراً ما نَرَى الْفَرَاشَاتِ عِنْدَ حُلُولِ الظَّلامِ وَ هِيَ تَتَحَرَّكُ نَحْوَ النَّوْرِ.» (۲) ۳۸

اشتباهات گزینه (۲):

نَرَى (فعل مضارع و معلوم است) / تَتَحَرَّكُ (فعل مضارع از باب تَفَعَّل است).

حرکت‌گذاری کامل عبارت: «لَقَدْ وَهَبَ اللَّهُ هَذَا الْحَيَوَانَ وَسِيلَةً لِلدَّفَاعِ عَنِ النَّفْسِ، فَإِنَّ الْأَلْوَانَ الْمُخْتَلِفَةَ مِنْ أَحْسَنِ الْوَسَائِلِ الدَّفَاعِيَّةِ.» (۴) ۳۹

اشتباهات گزینه (۴):

النَّفْس (نَفْس) به‌معنای «جان» و «نَفْس» به‌معنای «دم و بازدم» است.

الْمُخْتَلِفَةَ (اسم فاعل است).

تجزیه و محل اعرابی «تتناول»: فعل مضارع - للغائبة (سوم شخص مفرد مؤنث) - من باب تفاعل - بزيادة حرفين - الفعل المعلوم / فعل و فاعله «الفراشة» (۳) ۴۰

- با توجه به آیه ۱۰۵ سورة انبياء ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾: «همانا ما در زبور پس از ذکر (تورات) نوشتیم که زمین را بندگان شایسته من به ارث می‌برند»، وعده قرآنی که از کتاب‌های آسمانی مانند زبور و تورات نقل شده، وراثت زمین توسط بندگان صالح خداست.
- از دقت در آیه شریفه ﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكْ مُعَيَّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾: «خداوند نعمتی را که به قومی ارزانی کرده است، تغییر نمی‌دهد مگر آن‌که آن‌ها، خود وضع خود را تغییر دهند. همانا که خداوند شنوا و داناست»، قانون خداوند برای تغییر و تحول در سرنوشت جوامع، تغییر دادن در رفتار خودشان است.
- یکی از دلایل اثبات امکان معاد جسمانی، اشاره به پیدایش نخستین انسان است که در آیه «و برای ما مثلی زد درحالی‌که آفرینش نخستین خود را فراموش کرد. گفت کیست که این استخوان‌های پوسیده را دوباره زنده کند؟ بگو همان خدایی که آن‌ها را برای نخستین بار آفرید و او به هر خلقتی داناست.» مطرح شده است.
- پاسخ خداوند به درخواست بازگشت گناهکاران به دنیا و جبران اعمال در آیه شریفه ﴿كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا...﴾: «هرگز! این سخنی است که او می‌گوید» آمده است.
- حدیث شریف پیامبر (ص) درباره باهوش‌ترین مؤمنان با آیه شریفه ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمَلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾: «هرکس به خدا و روز قیامت ایمان آورد و کار نیک انجام دهد، پس نه برای آنان ترسی است و نه اندوهگین می‌شوند.» ارتباط مفهومی دارد.
- خداوند، عمل به دستوراتش را که توسط پیامبر ارسال شده است، شرط اصلی دوستی با خود اعلام می‌کند: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾: «بگو اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خداوند دوستتان بدارد و گناهانتان را ببخشد.» و پس از بیان تبعیت و پیروی از پیامبر (ص) با عبارت ﴿يُحِبُّكُمُ اللَّهُ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾، بهره‌مندی پیروان را محبت الهی و آمرزش گناهانشان را بیان می‌کند.
- با توجه به آیه ﴿فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾: «پس، از آن‌ها درگذر و برایشان آمرزش بخواه و با ایشان در کارها مشورت کن، پس چون تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن که خدا متوکلین را دوست دارد.»، پس از توصیه به مشورت با مردم برای انجام کارها، به پیامبر اکرم (ص) عزم استوار و توکل بر خدا دستور داده شده است.
- باید اعتقادات دینی خود را با دانش و استدلال، اعتلا و ارتقا بخشیم تا بتوانیم با دیگر مسلمانان براساس معرفت و استدلال سخن بگوییم و اعتقادات خود را به نحو صحیح و بدون نزاع و ناسازگویی بیان کنیم.
- توانایی زن نسبت به مرد در ایجاد سکونت و آرامش، بیشتر است و مبدأ آرامش در خانواده، زن است.
- در ادیان و عموم فرهنگ‌ها، پوشش زنان به صورت یک اصل پسندیده مطرح بوده و کمتر قوم و ملتی است که زنان آن پوشش مناسبی نداشته باشند. تفاوت‌ها مربوط به چگونگی و حدود آن بوده است.
- اگر هنگام گفتن تکبیر، به بزرگی خداوند بر همه چیز توجه داشته باشیم، به آن‌چه در مقابل خدا قرار دارد توجه نخواهیم کرد.
- یک مجتهد علاوه بر تخصص در فقه باید پنج شرط داشته باشد تا از نظر دین، مشروعیت رهبری داشته باشد یعنی بتواند ولی فقیه باشد: باتقوا، عادل، زمان‌شناس، مدیر و مدبر، دارای شجاعت و قدرت روحی.
- فقیه‌ای که این پنج شرط را داشته باشد، حکومت و رهبری او مورد پذیرش دین است. در غیر این صورت، پیروی از دستورات وی حرام است.
- ممکن است این سؤال به ذهن بیاید که چگونه می‌شود انسان‌های بزرگی را که حدود ۱۴۰۰ سال قبل زندگی کرده‌اند، اسوه قرار دارد؟
- پاسخ این است که اسوه بودن آن بزرگان مربوط به اموری که به‌طور طبیعی و با تحولات صنعتی تغییر می‌کنند، نیست. اسوه بودن در اموری است که همواره برای بشر خوب و بالارزش بوده‌اند و با گذشت زمان، حتی درک بهتری از آن‌ها نیز به‌دست آمده است.
- بررسی سایر گزینه‌ها:**
- (۱) پاسخ به سؤال دیگری است که «چگونه می‌توان یک انسان معصوم را اسوه قرار داد؟»
- (۲) تقسیم اوقات، یکی از نمونه‌های امور ثابت و مورد الگوبری است اما پاسخ کلی این پرسش نیست.
- (۴) در امور قابل تغییر نمی‌توان معصومین را الگو قرار داد.
- کسانی که برای تقویت رابطه صمیمانه میان خویشان و همسایگان و سلامت اخلاقی افراد خانواده در برگزاری بازی‌ها و ورزش‌های دسته‌جمعی پیش‌قدم می‌شوند، از پاداش اخروی بهره‌مند خواهند شد و اگر ورزش و بازی‌های ورزشی برای دور شدن افراد جامعه از فساد و بی‌بندوباری‌های دنیای کنونی ضرورت یابد، فراهم کردن امکانات آن واجب کفایی است.

زبان انگلیسی

- او بعد از بیدار ماندن تا خیلی دیر وقت برای تمام کردن پروژه مدرسه‌اش، بسیار احساس خستگی می‌کرد.
- توضیح:** با توجه به مفهوم جمله و این‌که صفات مفعولی معمولاً برای توصیف انسان (he) به‌کار می‌روند، صفت مفعولی (tired) صحیح است.





مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۴): در دل هر ذره عظمتی نهفته است. / وحدت وجود

۱۵ (۴)

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) تغییرناپذیری اصالت و نیک‌نهادی

(۲) تحمل رنج موجب کمال است.

(۳) ستایش اندیشه کمال بخش ممدوح

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۱): بی خبری عاشقانه

۱۶ (۱)

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۲) وصف جفاکاری و بی‌رحمی معشوق

(۳) رسوایی عاشقانه

(۴) فتنه‌انگیزی زیبایی یار

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۴): حال عاشق را تنها عاشق درک می‌کند. / نکوهش زهد ریایی

۱۷ (۴)

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) سنجیده‌گویی

(۲) نکوهش وجود بی‌عشق

(۳) ملامت‌کشی و رسوایی عاشق

مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۳): نکوهش ریا در عبادت

۱۸ (۳)

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) مناعت طبع و بلندنظری / وصال موجب بی‌نیازی از همه پدیده‌هاست.

(۲) توجه عاشق تنها به معشوق است.

(۴) دعوت به خاموشی و پرهیز از اظهار درد و نالیدن بی‌اثر

مفهوم گزینه (۴): جفاکاری روزگار و ناکامی شاعر

۱۹ (۴)

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها: ضرورت امیدواری / در پس هر سختی، آسانی است.

مفهوم گزینه (۱): بی‌اعتباری مقبولیت ظاهری در نزد خلق

۲۰ (۱)

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها: توصیه به دست‌گیری از افتادگان و ازخودگذشتگی

مفهوم گزینه (۳): وفاداری به ممدوح

۲۱ (۳)

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها: توصیف مرگ تأسفبار ممدوح

مفهوم مشترک ابیات گزینه (۱): تحمل دشواری‌های راه عشق، شرط وصال است.

۲۲ (۱)

مفهوم سایر بیت‌ها:

الف) شکایت از بی‌توجهی و جور و جفای معشوق

ج) طلب عنایت از معشوق

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۴): طلب جلوه‌گری از معشوق

۲۳ (۴)

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) راز عشق پنهان‌کردنی نیست.

(۲) طلب عنایت از معشوق

(۳) نکوهش جزئی‌نگری

مفهوم گزینه (۱): ضرورت تسلیم بودن عاشق در برابر درد عشق

۲۴ (۱)

مفهوم مشترک رباعی سؤال و سایر گزینه‌ها: بی‌تعلقی و وارستگی

مفهوم گزینه (۳): توانایی لازمه ستمگری است. / ناپایداری ظلم

۲۵ (۳)

مفهوم مشترک ابیات سؤال و سایر گزینه‌ها: نکوهش دستیاری ظالمان

عربی، زبان قرآن

کلمات کلیدی: السماوات / الأرض / من يشاء

۲۶ (۱)

مقایسه کلمات کلیدی در گزینه‌ها:

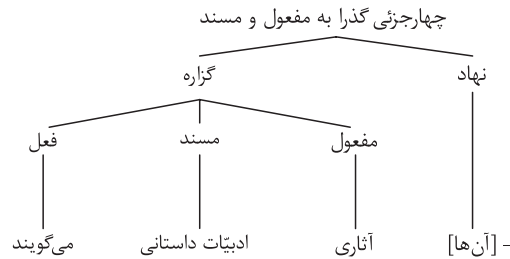
السماوات: آسمان‌ها؛ باید به‌صورت جمع ترجمه شود. [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]

الأرض: زمین؛ باید به‌صورت مفرد ترجمه شود. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

من يشاء: هرکس را که بخواهد؛ فعل «يشاء» نباید به‌صورت اسم فاعل یا نفی ترجمه شود. [رد سایر گزینه‌ها]



نمودار اجزای اصلی گزینه (۳):



بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) واداشتن: گذرا به مفعول و متمم دست‌مایه، خون‌بها، شب‌کلاه، کاه‌گل: اسم + اسم + اسم ← اسم
- (۲) داشتن: گذرا به مفعول (۴) یاری کردن (به تعبیری، مرکب): گذرا به مفعول

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۲) شاهکار (اسم + اسم)، چهل چراغ (صفت + اسم)، کمر بند (اسم + اسم)، سفیدرود (صفت + اسم)
- (۳) چوبلباس (اسم + اسم)، سه‌تار (صفت + اسم)، شترمرغ (اسم + اسم)، پیش‌پرده (صفت / قید + اسم)
- (۴) رادمرد (صفت + اسم)، نی‌شکر (اسم + اسم)، پس‌کوچه (صفت / قید + اسم)، گردن‌بند (اسم + اسم)
- فعل «گرفتن» در بیت‌های «الف» و «د» در معنی «مؤاخذه کردن و خرده گرفتن» به کار رفته است.

بررسی سایر بیت‌ها:

- (ب) گرفتن: مبتلا کردن (ج) گرفتن: انتخاب و اختیار کردن
- حذف فعل به قرینه معنوی: به چشم‌های تو [سوگند می‌خورم که] دانم که تا ز چشم برفتی / به چشم عشق و ارادت نظر به هیچ نکردم
- جهانگیران: جهان / گیر / ان، اسم‌نویسی: اسم / نویس / ی، پراکندگی: پراکند / ه / [ک]ی (همگی ۳ تکواژ)

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) آزادانه: آزاد / انه (۲) تکواژ، هزارتومانی: هزار / تومان / ی (۳) تکواژ، هرساله: هر / سال / ه (۳) تکواژ
- (۳) نشانه‌شناسی: نشان / ه / شناس / ی (۴) تکواژ، ناسزاگویی: نا / سز / ا / گو / ی (۵) تکواژ، دانشجویی: دان / ش / جو / ی (۴) تکواژ
- (۴) زیباسازی: زیب / ا / ساز / ی (۴) تکواژ، آینه‌بندان: آینه / بند / ان (۳) تکواژ، پریشان‌حال: پریش / ان / حال (۳) تکواژ
- مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۳): بازگشت به اصل

مفهوم سایر گزینه‌ها:

- (۱) عشرت‌طلبی
- (۲) شادی در اثر دیدار یار
- (۴) ضرورت یاری گرفتن از پدیده‌های ارزشمند، به‌جای پدیده‌های پست
- مفهوم گزینه (۴): ضرورت جهاد با نفس
- مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: ملامت‌کشی عاشق
- مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۱): نکوهش دل‌بستن به دنیا
- مفهوم سایر گزینه‌ها:

- (۲) شرح جلال و بزرگی ممدوح (۳) نکوهش غفلت (۴) بی‌نصیبی در دو دنیا
- مفهوم گزینه (۳): یکسان بودن انسان‌ها در برابر مرگ
- مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: ارزشمندی خاکساری در برابر معشوق
- معنی بیت «ج»: تا زمانی که نسبت به دنیا و مادیات بی‌علاقه نشوی، خواهان عشق ما نباش.

مفهوم: پشت پا زدن به دنیا

معنی بیت «ب»: از عارفان باصفا انتظار پنهان کردن نداشته باش؛ همان‌طور که آینه نمی‌تواند عیب‌ها را بازگو نکند.

مفهوم: صداقت

معنی بیت «الف»: از زمانی که زلف پریشان یار را دیده‌ام، [در اثر شیفتگی] با تمام وجود پریشان‌خاطر و گویی هر ذره وجودم بی‌قرار است.

مفهوم: بی‌قراری عاشق



معنی بیت «د»: سرافرازی و جلوه‌گری سرانجام موجب لغزش و سقوط است و این انسان‌های متواضع هستند که کام‌یاب می‌شوند.

مفهوم: توصیه به فروتنی

مفهوم مشترک سؤال و گزینه (۱): همه پدیده‌ها در حال ستایش خداوندند. (۱) ۲۱

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۲) وصف طبیعت (۳) عیش و لذت بی یار میسر نیست. (۴) پاک‌دلی لازمه درک حقیقت است.

مفهوم گزینه (۱): اغراق در توصیف کوچکی دهان یار (۱) ۲۲

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: وصف‌ناپذیری عشق و معشوق

مفهوم گزینه (۱): پشت‌گرمی عاشق به معشوق در رویارویی با مشکلات (۱) ۲۳

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: جان‌فشانی توأم با خودکم‌بینی عاشقانه!

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۴): ناتوانی در خودداری از گناه به دلیل فراهم بودن شرایط ارتکاب گناه (۴) ۲۴

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) ازلی بودن عشق / تقابل عشق و زهد

(۲) ترک عشق ناممکن است. / تقابل عشق و زهد

(۳) تقابل عشق و آسایش / آسودگی عاشق نشانه بی‌وفایی به معشوق است.

مفهوم گزینه (۲): دوستی که با دشمن معاشرت دارد، قابل اعتماد نیست. (۲) ۲۵

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: پرهیز از هم‌نشین بد

عربی، زبان قرآن

کلمات کلیدی: لا یَغِیَّر / حَتَّى یَغِیَّرُوا (۲) ۲۶

مقایسه کلمات کلیدی در گزینه‌ها:

لا یَغِیَّر: تغییر نمی‌دهد، دگرگون نمی‌کند؛ فعل مضارع منفی است. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

حَتَّى یَغِیَّرُوا: تا تغییر دهند؛ فعل مضارع همراه «حَتَّى» و معلوم است. [رد گزینه‌های (۱) و (۴)]

کلمات کلیدی: إِنْ تُؤْمِنُ / إِنْ نُّؤْمِنُ / سِکُونٌ / لَنْ نُّیَاسَ (۱) ۲۷

مقایسه کلمات کلیدی در گزینه‌ها:

إِنْ تُؤْمِنُ: اگر ایمان بیاوریم؛ «إِنْ» حرف شرط است. [رد سایر گزینه‌ها]

سِکُونٌ: خواهد بود؛ فعل مضارع مستقبل است. [رد سایر گزینه‌ها]

لَنْ نُّیَاسَ: ناامید نخواهیم شد؛ فعل مضارع به همراه حرف «لَنْ» به صورت آینده منفی ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]

کلمات کلیدی: هُنَاکَ خَیْرٌ / شِدَّةٌ / نَسْتَطِیْعُ / اَنْ نَعْرِفَ (۱) ۲۸

مقایسه کلمات کلیدی در گزینه‌ها:

هُنَاکَ خَیْرٌ: خیری وجود دارد؛ «هُنَاکَ» ابتدای جمله به معنای «وجود دارد، هست» است و نیز دقت کنید «خیر» مفرد است. [رد گزینه (۴)]

شِدَّةٌ: سختی‌ای؛ مفرد است. [رد گزینه (۳)]

نَسْتَطِیْعُ: می‌توانیم؛ فعل مضارع است. [رد سایر گزینه‌ها]

گزینه اشتباه را خواسته است، پس «إِنْتَعَدُوا» فعل ماضی است نمی‌توان به صورت مضارع ترجمه کرد و نیز وقتی در ترجمه اسلوب حصر «فقط» داشته باشیم حتماً فعل به صورت مثبت باید بیاید. (۴) ۲۹

لَنْ أَتْرَکَ: ترک (رها) نخواهم کرد؛ فعل مضارع همراه با حرف «لَنْ» به صورت آینده منفی ترجمه می‌شود و نیز «هذه الدنيا» به معنای «این دنیا» است. (۴) ۳۰

ترجمه صحیح عبارت: این دنیا را به بهانه به دست آوردن آخرت ترک نخواهم کرد.

ترجمه گزینه‌ها: (۳) ۳۱

(۱) هر چیزی نابودشدنی است به جزء ذات او (۲) هرکس بزرگی را بخواهد شب‌ها را بیدار می‌ماند.

(۳) آیا مردم را به نیکی دستور می‌دهید و خودتان را فراموش می‌کنید. (۴) گویا راضی نگه داشتن مردم هدفی است که به دست نمی‌آید.

توضیح: در گزینه (۳) مفهوم آیه «دستور دادن به نیکی و ضرورت عمل کردن خود به نیکی» است که با بیت روبه‌رویش که اشاره به «انجام دادن کارهای ماندگار دارد»، ارتباط مفهومی ندارد.



- ۵۴ (۱) خداوند در قرآن کریم بازگشت به دوران جاهلی را هشدار می‌دهد که در عبارت قرآنی ﴿أَنْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ﴾: «آیا شما به گذشته [و آیین پیشین خود] باز می‌گردید؟» تجلی دارد و فراهم آمدن شرایط مناسب و ظهور جاعلان حدیث مربوط به ممنوعیت از نوشتن احادیث پیامبر اکرم (ص) است.
- ۵۵ (۱) مطابق آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾: «همانا خداوند پروردگار من و پروردگار شماست. پس او را بندگی کنید [که] این راه راست [و درست] است.»، چون خداوند مالک و صاحب اختیار ماست، به علت ربوبیت الهی، پذیرش بندگی او، تنها راه درست و صحیح در زندگی انسان‌هاست.
- ۵۶ (۱) امام علی (ع) پس از بیان اوضاع و احوال پس از خود و آگاه کردن مردم و هشدار دادن به آن‌ها فرمود: «در آن شرایط، در صورتی می‌توانید راه رستگاری را تشخیص دهید که ابتدا پشت‌کنندگان به صراط مستقیم را شناسایی کنید و وقتی می‌توانید به عهد خود با قرآن وفادار بمانید که پیمان‌شکنان را تشخیص دهید ...» و آن‌گاه امیرمؤمنان، راه حل نهایی را بیان می‌کند و می‌فرماید: «پس همه این‌ها را از اهلش طلب کنید، آنان‌اند که نظر دادن و حکم کردنشان نشان‌دهنده دانش آن‌هاست، آنان هرگز با دین مخالفت نمی‌کنند و در دین اختلاف ندارند.»
- ۵۷ (۳) وقتی خداوند کسی را به پیامبری برمی‌گزیند، معلوم می‌شود که وی می‌تواند مسئولیت خود را به درستی انجام دهد. خدای متعال در این باره می‌فرماید: ﴿اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ﴾: «خدا بهتر می‌داند که رسالتش را کجا قرار دهد». پس الهی بودن منصب پیامبر (ص) ناشی از صفت علم الهی است.
- ۵۸ (۴) آیه ﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا...﴾: «[کافران] گفتند: زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیایی ما نیست.»، از زبان کافران است و آنان معتقدند که فقط گذشت روزگار انسان را نابود می‌کند. ﴿وَمَا يَهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ﴾: «و ما را فقط گذشت روزگار نابود می‌کند.»
- ۵۹ (۱) ترجمه آیه «قطعاً دین نزد خداوند، اسلام است و اهل کتاب در آن، راه مخالفت نپیمودند مگر پس از آن‌که به حقانیت آن آگاه شدند ...»، به آگاهی اهل کتاب به حقانیت اسلام اشاره می‌کند و دلیل چنددینی، تجاوز آگاهانه آنان به اصالت دعوت پیامبران بوده است.
- ۶۰ (۱) ادامه حدیث «بنی‌الاسلام علی خمس ... و لم یناد بشیء کما نودی بالولایة»: بیانگر جایگاه ویژه ولایت است و حدیث سلسله‌الذهب، از اهمیت ولایت امام حکایت دارد؛ به‌طوری که تجلی توحید در زندگی اجتماعی با ولایت امام که همان ولایت خداست، میسر است.
- ۶۱ (۳) با توجه به روایت حضرت علی (ع)، علت غیبت امام عصر (عج)، ستمگری انسان‌ها و زیاده‌روی‌شان در گناه است.
- ۶۲ (۳) در جامعه اسلامی مردم نگاهی متفاوت به رهبری دارند؛ رهبر برای آنان پیشوایی است که با قدم گذاشتن در مسیر کمال و عدالت، سایر مردم را به پیمودن راه فرا می‌خواند.
- ۶۳ (۴) در سنت امداد می‌گوییم: افرادی که فقط خواهان دنیا هستند و برای آن می‌دوند، آن را به‌دست می‌آورند. البته اینان عواقب زیان‌بار این تصمیم را در آخرت مشاهده خواهند کرد. بنابراین روی آوردن دنیا و لذت‌های دنیایی به برخی انسان‌های گناه‌کار نشانه لطف خداوند به آنان نیست، زیرا از نعمت بی‌پایان الهی محروم مانده‌اند.
- ۶۴ (۲) شاعر در بیت «برو این دام بر مرغی دگر نه / که عنقا را بلند است آشیانه»، به عدم دسترسی شیطان و عدم نفوذ او در انسان با اخلاص اشاره نموده است و شیطان اقرار کرده که توانایی فریب دادن مؤمنان با اخلاص را ندارد.
- ۶۵ (۳) با توجه به این آیه: ﴿رِسَالًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ لِّئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ﴾: «رسولانی (را فرستاد که) بشارت دهنده و انذار کننده باشند، تا بعد از آمدن پیامبران، برای مردم در مقابل خداوند، دستاویز و دلیلی نباشد.»، خداوند با ارسال پیامبران حجت را بر بندگان تمام کرده است. پاسخ فرشتگان به درخواست تخفیف دوزخیان نیز، این است که: «مگر پیامبران برای شما دلایل روشنی نیاوردند؟»
- ۶۶ (۲) کار شیطان، وسوسه کردن و فریب دادن است و جز این، راه نفوذ دیگری در ما ندارد. این خود ما هستیم که به او اجازه وسوسه می‌دهیم یا راه فریب را بر او می‌بندیم.
- ۶۷ (۲) آیه ﴿وَقَالُوا لَجُودْهُمْ لَمْ يَشْهَدْتُمْ عَلَيْنَا...﴾: بیان‌گر گواهی اعضای بدن در مرحله حضور شاهدان و گواهان است و مفهوم تکلم اشیاء و جمادات را بیان می‌کند. زیرا پس از اعتراض بدکاران به پوست خود، اعضای بدن با انسان سخن می‌گویند.
- ۶۸ (۴) بر اساس آیه ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾: «و کسانی که در راه ما جهاد [و تلاش] کنند حتماً آنان را به راه‌های خود هدایت می‌کنیم.»، برای یافتن راه‌های خدایی زندگی، تلاش و مجاهده در راه خدا ضروری است.
- ۶۹ (۲) پیام اسلام، پیامی برای فطرت انسان‌هاست. هر انسان حقیقت‌طلب و روشن‌ضمیری که جویای حقیقت باشد، در مواجهه با این پیام، جذب آن می‌شود. آنچه اهمیت دارد، انتخاب روش‌های درست برای انتقال این پیام است. میان یک پیام و روش تبلیغ آن باید تناسب منطقی و معقول برقرار باشد. از این‌رو حق را نمی‌توان با روش‌های نادرست به دیگران رساند.
- ۷۰ (۱) خداوند پس از بیان نشانه‌های مبنی بر زوج آفریدن انسان و ایجاد آرامش و مودت و رحمت میان همسران در ادامه عبارت ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا...﴾: «و می‌فرماید: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾: «همانا در آن، نشانه‌هایی است برای گروهی که می‌اندیشند.» پسر و دختر جوان با تشکیل خانواده و با گذشت و مدارا و تحمل سختی‌ها و ناگواری‌های زندگی، به درجات معنوی بالاتری نایل می‌شوند. (رشد اخلاقی و معنوی)
- ۷۱ (۱) برای موفق شدن در مسئولیت انتخاب همسر، باید بر شور و احساس جوانی تسلط کامل داشت. لذا مشورت با والدین توصیه شده است. پدر و مادر به علت علاقه و محبت به فرزند، معمولاً مصلحت و خوشبختی او را در نظر می‌گیرند.

عربی، زبان قرآن

کلمات کلیدی: کُتِبَ / کما (۴) ۲۶

مقایسه کلمات کلیدی در گزینه‌ها:

کُتِبَ: نوشته شده، مقرر شده؛ فعل ماضی مجهول است پس باید به شکل مجهول ترجمه شود. [رد سایر گزینه‌ها]

کما: همان‌طور، همان‌گونه؛ این واژه باید در جمله ترجمه شود. [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]

کلمات کلیدی: الضَّرورات / تَضَطَّرَّ / إِلَى تَحَمَّلَ / حَتَّى يُوَفَّرَ (۱) ۲۷

مقایسه کلمات کلیدی در گزینه‌ها:

الضَّرورات: ضرورت‌ها، نیازها؛ این کلمه جمع است و به صورت مفرد ترجمه نمی‌شود. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

تَضَطَّرَّ: وادار می‌کنند، مجبور می‌کنند، ناچار می‌کنند [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]

تَحَمَّلَ الأعمال الصعبة: تحمل کارهای سخت [رد سایر گزینه‌ها]

کلمات کلیدی: الحصول عَلَى / لا نملك / نملك (۳) ۲۸

مقایسه کلمات کلیدی در گزینه‌ها:

الحصول عَلَى: دستیابی؛ این کلمه در سایر گزینه‌ها درست ترجمه نشده است. [رد سایر گزینه‌ها]

لا نملك: نداریم؛ فعل است و به صورت اسم (نداشته‌ها) نباید ترجمه شود. [رد گزینه‌های (۱) و (۴)]

نملك: داریم، مالک باشیم؛ به شکل «مالک یا مالکش» نمی‌تواند ترجمه شود. [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]

کلمات کلیدی: يحتاج / شبابنا / العلم و العمل / حَتَّى يُهْدُوا (۴) ۲۹

مقایسه کلمات کلیدی در گزینه‌ها:

يحتاج: احتیاج دارند، نیاز دارند؛ فعل مضارع است. [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]

شبابنا: جوانان ما؛ ضمیر «نا» باید ترجمه شود. [رد گزینه (۱)]

العلم و العمل: علم و عمل؛ این دو اسم معرفه هستند. [رد گزینه (۱)]

حَتَّى يَهْدُوا: تا هدایت شوند؛ این فعل مجهول است. [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]

يجب علينا أن نُصلح: واجب است (باید، لازم است) اصلاح کنیم. (۴) ۳۰

لا ذنب للوقت: هیچ گناهی برای زمان نیست؛ این «لا» لای نفی جنس است و در ترجمه آن باید از «هیچ ... نیست» استفاده کنیم.

ترجمة صحيح عبارت: ما باید خودمان را اصلاح کنیم و هیچ گناهی بر زمان نیست.

ترجمة عبارت: برای چه چیزی را می‌گویید که انجام نمی‌دهید! (۱) ۳۱

توضیح: این آیه شریفه اشاره به این دارد که سخن باید همراه با عمل باشد. پس بهتر است چیزی را که می‌گوی، انجام دهی.

هرکس: مَنْ؛ اسم شرط است. [رد سایر گزینه‌ها] (۲) ۳۲

آن را حرام کند: حَرَمَهُ، یَحَرِّمُهُ؛ این جمله دارای مفعول است (آن را) پس در عبارت باید همراه فعل، مفعول آمده باشد. [رد گزینه (۳)]

محروم حقیقی: المحروم الحقیقی؛ این یک ترکیب وصفی است و باید موصوف و صفت از لحاظ ظاهری مطابق با یکدیگر نوشته شوند. [رد گزینه‌های

(۱) و (۴)]

ترجمة عبارت: برای معلّم ممکن است که ملتش را از نادانی نجات دهد. (۳) ۳۳

ترجمة سایر گزینه‌ها:

(۱) کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند نزد خدا برابر هستند.

(۲) به فرهنگ اسلامی چنگ بزن تا در زندگی شکست بخوری.

(۴) هر چیزی با انفاق کم می‌شود حتی علم.

ترجمة درک مطلب:

سَمِعَ بهلول (بهلول شنید) صَوْت الرَّجُلِ الْبَاكِیِ يَقُولُ (صدای مرد گریان را، درحالی‌که می‌گفت) أَتَيْتُ إِلَى بَغْدَادَ (به بغداد آمدم) حَامِلًا كُلَّ الْمَالِ الَّذِي (در حالی‌که حمل می‌کردم تمام مالی را که) جَمَعْتُهُ فِي حَيَاتِي لِلتَّجَارَةِ (آن را در زندگی‌ام برای تجارت جمع کرده بودم) ثُمَّ أَعْطَيْتُهُ (سپس آن را دادم) عَطَارًا مَعْرُوفًا بِالْأَمَانَةِ (به عطاری که معروف به امانتداری است) فَهَمَّ بهلول بالمَوْضِعِ (بهلول به موضوع پی برد) فَقَرَّرَا (پس تصمیم گرفتند) أَنْ يَذْهَبَا

۵۸ (۲)

حضرت یوسف (ع) در هنگام قرار گرفتن در دام‌های شیطانی زلیخا، از آنجا که به مقام مُخْلِصین دست یافته بود، زندان را به گناه ترجیح داد و فرمود: ﴿رَبِّ السَّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ﴾: «پروردگارا زندان برای من دوست‌داشتنی‌تر است از آن‌چه مرا به آن دعوت می‌کنند.» و با ترک گناه به عزت حقیقی دست یافت.

۵۹ (۴)

انسانی که ایمان ضعیفی دارد، اگر ایمان خود را تقویت نکند و به گناه آلوده شود، به تدریج به گناه عادت می‌کند و به جایی می‌رسد که همین ایمان ضعیف را هم از دست می‌دهد و همه حقایق، حتی خدا را انکار می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّؤَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ﴾: «سپس سرنوشت آنان که مرتکب گناه شدند چنین شد که نشانه‌های الهی را تکذیب کردند و آن نشانه‌ها را به باد تمسخر گرفتند».

۶۰ (۳)

عبارت قرآنی ﴿وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ﴾: «و نیز به خاطر آن است که» خداوند هرگز به بندگان ستم نمی‌کند»، به عدل الهی اشاره دارد و با حدیث «نظام هستی بر عدالت است»، تناسب مفهومی دارد.

۶۱ (۱)

در ترجمه آیه «ابراهیم نه یهودی بود و نه مسیحی؛ بلکه یکتاپرست (حق‌گرا) و مسلمان بود»، به آیین حضرت ابراهیم (ع) اشاره شده است که به جای پیروی از یهودیت و مسیحیت، حق‌گرایی و یکتاپرستی پیشه کرد.

۶۲ (۲)

بعضی از مسئولیت‌های پیامبر (ص) در برابر مردم پیش از بعثت که در گمراهی آشکار به سر می‌بردند، این‌گونه ترسیم شده است: ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾: «به‌راستی که خدا بر مؤمنان منت گذاشت، هنگامی که در میان‌شان رسولی از خودشان را برانگیخت که بر آنان آیات او را تلاوت می‌کند و آن‌ها را پاک می‌کند و به آن‌ها کتاب و حکمت می‌آموزد، گرچه از قبل در گمراهی آشکار بودند».

۶۳ (۳)

دستوری که خداوند به پیامبرش در برابر کافران و منافقان داده است، عدم اطاعت و متابعت از آن‌هاست که پیش از این دستور، امر به تقوا صورت گرفته است. آیه ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَ لَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ، إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾: «ای پیامبر، از خدا پروا کن و از کافران و منافقان اطاعت مکن که خداوند، دانای حکیم است»، بیانگر این اوامر خداوند به پیامبرش است.

۶۴ (۳)

اطاعت از خداوند، بیانگر یکی از ویژگی‌های بنده خداست؛ زیرا کسی که به توحید عملی آراسته شده است، تسلیم فرمان‌های خدا و مطیع دستورات اوست. البته دستورات خدا از طریق پیامبر (ص) و جانشینان ایشان به ما می‌رسد. بنابراین می‌توان گفت، لازمه توحید عملی، اطاعت از پیامبر (ص) و جانشینان آن حضرت نیز می‌باشد.

۶۵ (۱)

رسول خدا (ص) در پاسخ به جابر بن عبد الله انصاری که از مصداق «اولی الامر» در آیه اطاعت پرسید، فرمود: «ای جابر، آنان جانشینان من و امامان بعد از من اند ... او (مهدی) است که از نظر مردم پنهان می‌شود و غیبت او طولانی می‌گردد تا آنجا که فقط افرادی که ایمان راسخ دارند، بر عقیده به او باقی می‌مانند.» پس پایبندی بر عقیده به امام زمان (عج) مستلزم ایمان و اعتقاد راسخ است و در این حدیث، به غیبت طولانی امام اشاره شده است، نه عمر طولانی او.

۶۶ (۲)

در نتیجه فداکاری‌های پیامبر (ص) و امامان بزرگوار بود که دین اسلام تداوم یافت و پیام الهی یعنی قرآن کریم حفظ شد. اکنون، ما پیرو و شیعه انسان‌هایی هستیم که جان و همه زندگی خود را برای نجات و رستگاری انسان‌ها، فدا کردند و به پیشگاه الهی رفتند.

۶۷ (۴)

از دیدگاه برخی جامعه‌شناسان، یکی از عوامل پویایی جامعه شیعه در طول تاریخ، اعتقاد به آینده سبز بوده است؛ به معنای انتظار برای سرنگونی ظالمان و گسترش عدالت در جهان، زیر پرچم امام عصر (ع).

۶۸ (۱)

نمونه‌هایی از رؤیاهای صادقه را قرآن کریم در ماجرای حضرت یوسف (ع) ذکر نموده است که خود دلیلی است بر اصالت رؤیاهای راستین از دیدگاه قرآن. رؤیاهای صادقه دلیلی بر وجود بعد غیرمادی انسان است. زیرا انسان در این قبیل خواب‌ها، از ظرف زمان و مکان خود خارج می‌شود و به زمانی در گذشته یا در آینده می‌رود، درحالی که جسم او در رختخواب است و چشم و گوش او چیزی نمی‌بیند و نمی‌شنود.

۶۹ (۱)

زندگی دینی، تنها شیوه مطمئن و قابل اعتمادی است که پیش روی انسان است. در غیر این صورت، آینده‌ای غیر قابل اعتماد در انتظار اوست. خداوند در سوره توبه با هشدار دادن نسبت به این مطلب می‌فرماید: ﴿... أَمْ مِنْ أَشْئِ بُنْيَانَةٍ عَلَىٰ شِفَا جُوفٍ هَارٍ فَانْهَارٍ بِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الضَّالِّينَ﴾: «یا کسی که بنای خود را بر لبه پرتگاهی در حال سقوط ساخته و با آن در آتش دوزخ فرو می‌افتد؟ و خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند».

۷۰ (۳)

در مرحله دوم قیامت، بدکاران با دیدن اعمالشان سوگند دروغ می‌خورند تا شاید خود را از مهلکه نجات دهند. در این حال، خداوند بر دهان آن‌ها مهر خاموشی می‌زند و اعضا و جوارح آن‌ها به اذن خداوند شروع به سخن‌گفتن می‌کنند و علیه صاحب خود شهادت می‌دهند. بدکاران از مشاهده گواهی اعضای خویش به شگفت می‌آیند و خطاب به اعضای بدن خود با لحنی سرزنش‌آمیز می‌گویند که چرا علیه ما شهادت می‌دهید؟ آیه ﴿وَ قَالُوا لِمَ لَوْدِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقْنَا اللَّهَ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ﴾: «آن‌ها به پوست خود می‌گویند: چرا بر ضد ما شهادت دادید؟ گویند: ما را خدایی به زبان آورد که هر چیزی را به سخن آورد»، بیانگر این موضوع است.

۷۱ (۴)

خداوند می‌فرماید: «کسی که بازگردد و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، خداوند گناهان آنان را به حسنات تبدیل می‌کند، زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است.» پس پاداش الهی برای توبه‌کنندگانی که به ایمان و نیکوکاری آراسته می‌شوند، از بین بردن گناهان و تبدیل آن‌ها به حسنات است.

(۴) اجتهد ... اجتهداً بوصول ← «اجتهداً» مصدر فعل جمله است که پس از آن جمله وصفیه آمده است.
ترجمه: هیچ کاری همانند استقامت نیست پس به گونه ای تلاش کن که تو را به اهداف برساند.

۴۹ (۲)

«واقف» در این جمله نقش «خبر» برای «المدير» را دارد.

ترجمه عبارت: مدیر در مقابل دعوت شدگان در سالن ایستاده بود.

بررسی سایر گزینه ها:

(۱) منتظرین: نقش حال را دارد و صاحب حال آن «الأعداء» می باشد.

ترجمه: همانا دشمنان در نزدیک کشورمان به انتظار (در کمین) می ایستند.

(۳) مُتَعَجِّبٌ: نقش حال را دارد.

ترجمه: به چشم اندازه های طبیعی همراه با دوستانم با تعجب نگاه می کردم.

(۴) مُعْتَرِفِينَ: نقش حال را دارد.

ترجمه: جوانان تلاشگر ما به سرافرازی و عزت می رسند در حالی که به کمک اسلام اعتراف می کنند.

۵۰ (۲)

در این گزینه اسلوب حصر وجود دارد.

ترجمه: فقط یکی از دوستانم کتابم را خواند.

بررسی سایر گزینه ها:

(۱) مستثنی: بعض / مستثنی منه: الناس

ترجمه: مردم در کشورهای بزرگ به راحتی زندگی نمی کنند به جز برخی از آنها.

(۳) مستثنی: القاضي / مستثنی منه: أحد

ترجمه: کسی به جز قاضی در دادگاه حاضر نشد.

(۴) مستثنی: هذا / مستثنی منه: الأعداء

ترجمه: دشمنان به مرزهایمان حمله نمی کنند به جز این متجاوز.

فرهنگ و معارف اسلامی

۵۱ (۲)

اگر هدف نهایی و مقصد زندگی (هدف نهایی و حقیقی) خدا باشد، شکست، دور شدن از خدا معنا می شود. شکست به مفهوم ذلت، در آیه ﴿وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ... وَ تَزْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ﴾: «و آنان که بدی پیشه کردند ... و بر چهره آنان غبار ذلت می نشیند.» آمده است. این آیه در درس عزت نفس در سال یازدهم مذکور است.

۵۲ (۱)

حدیث قدسی: «ای فرزند آدم ...» ← شناخت ارزش خود و نفروختن خویش به بهای اندک [رد گزینیه های (۲) و (۴)]

حدیث امام علی (ع): «خالق جهان در نظر آنان عظیم است ...» ← توجه به عظمت خداوند و تلاش برای بندگی او [رد سایر گزینیه ها]

۵۳ (۴)

معرفت عمیق و والا که انسان به وسیله آن بتواند با هر چیزی خدا را ببیند، هدفی قابل دسترس است، به خصوص برای جوانان و نوجوانان که پاکی و صفای قلب دارند. اگر قدم به پیش گذاریم و با عزم و تصمیم قوی حرکت کنیم، به یقین خداوند نیز کمک خواهد کرد و لذت این معرفت را به ما خواهد چشاند و این کمک الهی را می توان از آیه ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا...﴾: «و کسانی که در راه ما جهاد [و تلاش] کنند حتماً آنان را به راه های خود هدایت می کنیم ...» در درس ۶ سال دوازدهم دریافت نمود.

۵۴ (۳)

امیرمؤمنان با رفتار و گفتار خویش، نگرش صحیح از قضا و قدر را نشان داد و به دیگران آموخت که اعتقاد به قضا و قدر، نه تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست، بلکه عامل و زمینه ساز آن است.

۵۵ (۲)

این بیت به یکی از راه های تقویت اخلاص یعنی «افزایش معرفت نسبت به خدا» اشاره دارد. هر قدر که معرفت ما به خداوند بیشتر شود، به افزایش درجه اخلاص کمک خواهد کرد.

۵۶ (۲)

با توجه به آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ﴾: «ای مردم شما به خداوند نیازمند هستید»، انسان های آگاه دائماً سایه لطف و رحمت خدا را احساس می کنند و خود را نیازمند عنایات پیوسته او می دانند و هر چه معرفت انسان به خود و رابطه اش با خدا بیشتر شود، نیاز به او را بیشتر احساس و عجز و بندگی و فقر خود را بیشتر ابراز می کند.

۵۷ (۳)

در آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ﴾: «ای کسانی که ایمان آورده اید دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید [به گونه ای که] با آنان مهربانی کنید»، کلیدواژه «لَا تَتَّخِذُوا» با لفظ «يَتَّخِذُ» در تقابل است. از لحاظ مفهوم، آیه به مؤمنان دستور می دهد که

دولت منتظر نتایج آزمایش‌های بالینی دارو است پیش از آن‌که [بتواند] آن را در دسترس عموم مردم قرار دهد.

۸۳ (۴)

(۱) طبیعی؛ ذاتی (۲) علمی (۳) فوری، بی‌درنگ (۴) موجود، در دسترس

بچه‌ها در جشن تولد یک بازی را انجام دادند که در آن مجبور بودند نشانه‌هایی را دنبال کنند تا هدیه‌های کوچکی را برای هر مهمان پیدا کنند.

۸۴ (۴)

(۱) افسانه (۲) صحنه؛ منظره (۳) ابزار، وسیله؛ روش (۴) نشانه، سرخ

ریچارد باخ نوشت که آن‌چه شما را به خانواده حقیقی‌تان پیوند می‌دهد، یک [پیوند] خونی نیست، بلکه از احترام و شفع [حضور] در زندگی یکدیگر است.

۸۵ (۳)

(۱) الگو؛ طرح (۲) کارکرد، عملکرد (۳) احترام؛ جنبه، وجه (۴) بیان؛ اصطلاح؛ حالت چهره

ما البته وارد گفت‌وگو می‌شویم، [در حالی‌که] حاضر به گوش دادن به سایرین [هستیم]، ولی همچنین توقع داریم که شنیده شویم و مورد توجه قرار گیریم.

۸۶ (۳)

(۱) جمع، اضافه (۲) ارتباط، پیوند (۳) انتظار، توقع (۴) ارتباط؛ مکاتبه

به دلیل انزوای جغرافیایی‌اش، گیاهان و حیوانات بسیاری هستند که تنها در استرالیا وجود دارند.

۸۷ (۲)

(۱) پیرامون ... بودن؛ محاصره کردن (۲) وجود داشتن، بودن

(۳) تولید کردن، ساختن (۴) وابسته بودن، متکی بودن

خیلی وقت پیش نبود که پدر و مادرها از فرزندان نوجوانشان می‌خواستند که مطمئن شوند سکه همراهشان هست تا بتوانند در وضعیت اضطراری با خانه تماس بگیرند. سپس تلفن‌های همراه آمدند و همه آن [چیزها] را تغییر دادند! امروزه، یکی از هر پنج نوجوان تلفن همراه دارد و این عدد در حال افزایش است. داشتن تلفن همراه شما را در مدرسه «باحال» و محبوب می‌سازد. ولی نداشتن تلفن همراه خجالت‌آور است: مثل پوشیدن لباس‌های یک دهه قبل است! پژوهشی تازه نشان داد که نوجوانان به حدی به گوشی‌های همراهشان معتاد شده‌اند که تفاوت اندکی میان ملاقات یک فرد به صورت چهره‌به‌چهره و صحبت کردن با او با تلفن می‌بینند. پس، دفعه بعد که یک نوجوان می‌گوید: «بابا، اگر برایم یک گوشی همراه نخری، من آدم بی‌همه چیزی خواهم بود»، [توجه کنید که] او جدی است!

(۱) تلفن کردن به، تماس گرفتن با؛ صدا زدن، نامیدن (۲) (به هم) متصل کردن؛ به ... پیوستن، عضو شدن در؛ ملحق شدن به

۸۸ (۱)

(۳) ترک کردن؛ رها کردن (۴) گذراندن؛ خرج کردن

توضیح: با توجه به این‌که فعل increase (افزایش دادن؛ افزایش یافتن، زیاد شدن) عملی را توصیف می‌کند که در حال حاضر در حال انجام است، در این مورد به فعل حال استمراری (is increasing) نیاز داریم.

۸۹ (۴)

(۱) راستی؛ در ضمن (۲) پیشاپیش، قبلاً (۳) دوباره، مجدداً (۴) اما، ولی، با وجود این

۹۰ (۴)

(۱) معتاد (۲) درگیر، گرفتار (۳) علاقه‌مند (۴) سرگرم

۹۱ (۱)

(۱) ارث؛ میراث (۲) هیجان، شور و شفع (۳) تفاوت، فرق (۴) مقایسه، سنجش

۹۲ (۳)

برای بسیاری از طرفداران محیط زیست به نظر می‌رسد که جهان دارد بدتر می‌شود؛ آن‌ها فهرست‌هایی طولانی را از ترس‌های اصلی ما تهیه کرده‌اند؛ [این] که منابع طبیعی رو به اتمام هستند، [این] که جمعیت مدام در حال افزایش است [و] چیز کمتر و کمتری برای خوردن باقی می‌گذارد، [این] که گونه‌ها در اعداد و ارقام بزرگ منقرض می‌شوند و [این] که هوا و آب این سیاره دارند پیوسته آلوده می‌شوند.

ولی نگاهی سریع به واقعیت‌ها، تصویری متفاوت را نشان می‌دهد. نخست [این‌که]، از زمانی‌که کتاب محدودیت‌های رشد در [سال] ۱۹۷۲ توسط گروهی از دانشمندان به چاپ رسید، انرژی و منابع طبیعی دیگر، بیشتر از آن‌چه در گذشته بودند، شده‌اند، نه کمتر [از] آن. دوم [این‌که] اکنون از هر زمانی در تاریخ غذای بیشتری برای هر نفر از جمعیت جهان تولید می‌شود. افراد کمتری از گرسنگی می‌میرند. سوم [این‌که] اگرچه گونه‌های جانوری و گیاهی در واقع در حال انقراض هستند، انتظار می‌رود که تنها در حدود ۰/۷٪ از آن‌ها در ۵۰ سال آینده منقرض شوند، نه ۲۵ تا ۵۰٪ که اغلب پیش‌بینی شده است و در آخر، بیشتر اشکال آلودگی زیست‌محیطی یا به نظر می‌رسد که اغراق شده باشند [و] یا گذرا هستند - مرتبط با مراحل اولیه صنعتی شدن و بنابراین بهترین [راه] حذف آن‌ها، نه توسط محدود کردن رشد اقتصادی، بلکه توسط تسریع آن [است].

کدام‌یک از گزاره‌های زیر به بهترین نحو شیوه‌ای را که اطلاعات در متن ارائه می‌شود، توصیف می‌کند؟

۹۳ (۳)

(۱) تعدادی از مشکلات فهرست می‌شوند و سپس به دنبالشان راه‌حل‌های مناسبشان می‌آید.

(۲) موقعیتی خطرناک توصیف و سپس در مورد علل اصلی آن بحث می‌شود.

(۳) نکته‌ای اصلی مطرح و سپس با اطلاعات جدید رد می‌شود.

(۴) نتیجه‌ای ذکر و سپس حقایق برای تقویت آن گنجانده می‌شوند.

۳۵ (۴) از پیشرفته‌ها خواهیم گشت اگر -----

ترجمه گزینه‌ها:

- (۱) برای رفع تنگدستی از میان‌مان تلاش کنیم.
 - (۲) به افزایش منابع طبیعی‌مان بپردازیم.
 - (۳) از خدا بخواهیم و به‌طور مسلّم او را فرا بخوانیم.
 - (۴) فکرمان را تغییر دهیم و بر خودمان اعتماد کنیم.
- توضیح: با توجه به متن به خودشان اعتماد نمی‌کنند و فکر می‌کنند فقط با آرزوها خواسته‌ها تحقق می‌یابد بنابراین، تغییر تفکر و اعتماد به‌نفس خود از عوامل پیشرفت می‌باشد.

۳۶ (۱) از ویژگی‌های کشورهای پیشرفته این است که؛

ترجمه گزینه‌ها:

- (۱) فهمیدند و به قوانینی که خداوند آن‌ها را در جهان قرار داده است، عمل کردند.
 - (۲) مصادر و منابع طبیعی در آن‌جا زیاد می‌شود.
 - (۳) خواهش و آرزوها در آن زیاد می‌شود.
 - (۴) فقر در بین آن‌ها نیست.
- توضیح: با توجه به متن از سنت‌های الهی تلاش کردن و کار از راه‌های رسیدن به پیشرفت است و کشورهای پیشرفته این را فهمیده‌اند و به آن عمل کرده‌اند.

۳۷ (۱) ترجمه گزینه‌ها:

- (۱) هرکه تلاش کند می‌یابد.
- (۲) ارزش انسان چیزی است که آن را به نیکی انجام می‌دهد.
- (۳) هرکه صبر پیشه کند، می‌رسد.
- (۴) قهرمان فقط کسی است که از خدا پروا می‌کند.

توضیح: در متن به تلاش و کوشش و احتیاط، برای رسیدن به پیشرفت اشاره شده است.

۳۸ (۲) حرکت‌گذاری کامل عبارت: «مِنْ أَشْبَابِ ذَلِكَ هُوَ أَنَّهَا لَا تَهْتَمُّ بِالسَّنَةِ الْإِلَهِيَّةِ، فَلَا تُرِيدُ أَنْ تَلْتَفِتَ إِلَيْهَا!»

اشتباهات گزینه (۲):

بِالسَّنَةِ ← بِالسَّنَةِ «سَنَة» به معنای «سال» و «سَنَة» به معنای «روش، سنت» است.
أَنْ تَلْتَفِتَ ← أَنْ تَلْتَفِتَ (فعل مضارع از باب «إِفْتَعَال» بر وزن «يَفْتَعِل» می‌باشد و ریشه این فعل «لَفَت» است.)

۳۹ (۴) حرکت‌گذاری کامل عبارت: «قَدْ جَعَلَ اللَّهُ الْإِجْتِهَادَ وَالْعَمَلَ بَابَ الْوُضُولِ إِلَى التَّقَدُّمِ، فَهَذِهِ سَنَةٌ لَا تَتَغَيَّرُ!»

اشتباهات گزینه (۴):

قَدْ جُعِلَ ← قَدْ جَعَلَ (فعل ماضی معلوم است.)

لَا تَتَغَيَّرُ ← لَا تَتَغَيَّرُ (فعل مضارع از باب «تَفَعَّل» بر وزن «يَتَفَعَّل» می‌باشد.)

۴۰ (۴) تجزیه و محل اعرابی «يَتَصَوَّرُ»: فعل مضارع - للغائب - (سوم شخص مفرد مذکر) - من باب تَفَعَّل - بزيادة حرفين - الفعل المعلوم / فعل و فاعله «البعض»

دلایل رد سایر گزینه‌ها:

(۱) ليس له فاعل ← فاعله «البعض»

(۲) من باب تفعيل ← من باب تفعّل

(۳) من باب تفعيل ← من باب تفعّل

۴۱ (۱) تجزیه و محل اعرابی «تُوجَدُ»: فعل مضارع - للغائبة - (سوم شخص مفرد مؤنث) - ليست له حروف زائدة - الفعل المجهول / فعل و فاعله محذوف

دلایل رد سایر گزینه‌ها:

(۲) الفعل المعلوم ← الفعل المجهول / فاعله «مصادر» ← فاعله محذوف

(۳) بزيادة حرف واحد ← ليست له حروف زائدة / فاعله «مصادر» ← فاعله محذوف

(۴) بزيادة حرف واحد ← ليست له حروف زائدة

۴۲ (۳) تجزیه و محل اعرابی «جاهزاً»: اسم - مفرد - مذکر - اسم فاعل - نكرة / حال

دلایل رد سایر گزینه‌ها:

(۱) صفة أو نعت ← حال

(۲) مفعول مطلق ← حال

(۴) جمع التکسير ← مفرد